

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- جنبش کارگری
- حرفهای زحمتکشان ازشریات زحمتکشان
- خلق ها و مسئله ملی
- جنبش دهقانی
- حمله به مجاهدین خلق محکوم است
- صفحه ۳
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۷
- صفحه ۱۶

پس از خروج پاسداران:

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری مردم سنج!



در سایه همبستگی
خلق کرد مبارز
سنج
در تحصن خود
به بیروزی
رسیدند
صفحه ۶

**کارگران پیکار قزوین:
کارگر زندانی،
دشمن امپریالیسم
سرمایه دار مزدور،
نوکر امپریالیسم**
صفحه ۳

**پروفسورهای "مسلمان"
یا مأمورین نسیب!**
● پروفسور "حامد الگار" دوست
آقای یزدی برای چه به ایران می آید؟!

حاکم شرع اصفهان و حکم قرون وسطایی اش!
● حاکم شرع اصفهان حکم جادش یک کارگر را (بدون طلای) بخاطر عقاید سیاسی آن کارگر صادر کرد .
صفحه ۸

نگاهی به سر مقاله کار شماره ۴۰:

امروز دفاع شرمگینانه ، فردا...؟!!
● تشدید گرایش رویزیونیستی در سازمان جریکهای فدایی خلق
و کودتای افغانستان

تشدید گرایش رویزیونیستی در سازمان جریک های فدایی خلق ، ادامه
مشی و سیاست های غیرپرولتاری گذشته، این سازمان بوده و امروز نکات مسل
این گرایش انحطاطی به طرفداری و حمایت آشکار از سوسال امپریالیسم
کشیده شده است ، زیرا این سازمان به تائید کودتای امپریالیستی شوروی
در افغانستان پرداخته است . سرمقاله "کار" شماره ۴۰ در باره "روستاد"
های اخیر افغانستان بیانگر چنین امری می باشد .
نقشه در صفحه ۱۰

**زنگهای خطر برای چه کسانی
بصد ادرمی آید؟**
● نگاهی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری ، با پیروزی بنی صدر در حالیکه بیش از
آ آرا ، ریخته شده در صندوقها را بخود اختصاص داده است ، به پایان رسید .
نتایج آرا ، انتخابات تکفتمی بسیاری در میان مردم و تمام نیروهای
سیاسی بوجود آورد . این نتایج بطور روشنی واقعیات سیاسی موجود در
ایران را از پس میاها و جاجوجتالهای تبلیغاتی دستجات حاکم ، در جلوی
دیدگان مردم آشکار کرد و آنها را نسبت به آنچه که در جامعه جریان دارد ،
تا حدودی واقف ساخت .
نقشه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

نظرات ضد انقلابی و انا علیه البرالیم بورژوازی خودبیردازد.
باری، گفتیم که روحانیت در صحنه مبارزه انتخابی ریاست جمهوری، شکست بزرگی را متحمل شد که انعکاس افول سیاسی این بخش از هیئت حاکمه در طول زمان مداری رژیم جدید و جدایش تدریجی مردم از آن بود. در شما ره پیشین پیکار، واقعیت این شکست را در طول انتخابات نشان دادیم. اکنون انعکاس آن را در نتایج آراء بدست آمده مورد نظر قرار می دهیم.

کاندید "مدرسین حوزه علمیه قم" تنها ۴/۵ درصد!

اطلی ترین پایه های قدرت روحانیت، که در مرکز آن "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" قرار دارد، از "حسن حبیبی" حمایت کرده و بدین ترتیب او را که بطور مستقل در انتخابات شرکت کرده بود، در

کاهش داده است که بخوبی می تواند سیر رشد یافته آگاهی توده ها و سرعت فروریختن توهم توده ها را به نمایش بگذارد. ۸۴٪ در عرض یک ماه! این مقدار به خصوص از این نظر مهم است که توجه کنیم که در فرایند قانون اساسی، غالب نیروهای بورژوازی لیبرال و جریانهایی ارتجاعی بورژوازی از یک موضع ارتجاعی با قانون اساسی به مخالفت برخاستند و در فرایند دوم شرکت نکردند. لیکن در انتخابات ریاست جمهوری اس نیروها، وسیعاً و با تمام نیرو شرکت کردند و به خصوص در بیست و نهم درصدی موضع گرفتند.

بسیار معلوم میشود که تحریم کنندگان، از میان زحمتکاران و قشرهای آگاه جامعه بوده اند. این حساب نسبت کمائی که از میان اینان در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده اند، بالاتر از ۸٪ است. یعنی زحمتکاران ما در هفتمین مدت زمان کوتاه نیز با دگرگونی آنکه کمتر به رژیم و روشی جمهوری دل خوش کنند!

● مطابق آمار دولتی، در فرایند دوم جمهوری اسلامی ۹۸ درصد در فرایند دوم قانون اساسی ۲۳ درصد و در انتخابات ریاست جمهوری ۶۵ درصد مردم شرکت کردند که بخوبی می تواند مسیر رشد یابنده آگاهی توده ها را به نمایش بگذارد.

● انتخابات، صحنه شکست روحانیت بطور کلی و حزب جمهوری اسلامی بطور اخص بود و این شکست نه تنها در طول انتخابات بلکه پس از اعلام نتایج آن نیز به روشنی نمایان گشت.

● طایفه پشتیبانی "جامعه مدرسین قم" و حزب جمهوری اسلامی و آیت اله صدوقی (نماینده امام در یزد) از حبیبی، بازم حبیبی در قم بیرون و در یزد بیرون رأی آورد.

شمارات مدهای "بی بضاعت" قلند آمد میشد، به میدان اصلی رقابت انتخاباتی پرتاب نمودند. بناگذاشته شدن محمود رجوی، میدان رقابت بطور عمده در اختیار بنی صدر، حبیبی و مدنی قرار گرفت. با توجه به پشتیبانی روحانیت از "حبیبی" بنظر میرسد که رقابت اصلی میان بنی صدر و حبیبی باشد و حتی انتخابات در دوران اول بشمار نرسیده و به دور دوم کشانده شود. لیکن با اعلام نتایج انتخابات، در میان شکستی همه، نه تنها رقابت فشرده ای میان بنی صدر و حبیبی بوجود نیامده، بلکه "حبیبی" حتی نتوانست از نظر میزان آراء، مقام دوم را احراز نماید و تیمی مدنی جایگاه دوم را اشغال نمود. تعداد آراء ریخته شده در صندوق بنفع "حبیبی" مطابق آمار رژیم، ۶۷۶ هزار (حدود ۴/۵ درصد کل آراء) است و این در حالیست که رئیس جمهور منتخب - بنی صدر - حدود ۱۶ برابر (۱۰/۷۵۰ میلیون رأی) و مدنی، یعنی نفر دوم، حدود ۳/۵ برابر (۲/۲۴۱ میلیون رأی) را با بخود اختصاص داده اند!

استدلال وابستگان روحانیت در این باره این است که شکست حبیبی در انتخابات، آنهم با چنین آراء ناچیزی، ناشی از این بوده است که فاصله زمانی حمایت روحانیت، از حبیبی تا روز انتخابات بسیار محدود بوده است و این امر باعث شده که "حبیبی" نتواند آنطور که باید و بنا بدرد ذهن مردم جای گیرد و به تبلیغات وسیعی دست بزند. در حالی که بنی صدر

بقیه در صفحه ۱۳

رکبتای خطر ...

حاجتی و محنت حاکم، که هر یک کاندیدانی را به صحنه مبارزه انتخابی فرستاده بودند. اکنون می گویند به لحاظ اند الحبل، از جناح انتخابات سود خود بهره کمتری با به صحنه موفقت خود در این صحنه مبارزه و یکسری که در این میان محمل شده اند میروارند. اما ما ملاحظاتی اینان، نمی توانست و انیمه آگاهی را که جناح انتخابات با روشنی تمام می توانست، با همه است، نبوده بگذارد.

نتایج انتخابات را مختصراً مورد بررسی قرار دهیم

۱- مطابق آمار خود رژیم، در فرایند دوم قانون اساسی، حدود ۱۶ میلیون نفر، یعنی حدود ۷۲٪ از خاورس برات، شرکت و در شدند. که این تعداد خود نسبت به فرایند دوم میلی، که این سال محسوساً را از میان برداشته است، تقریباً دو برابر است. یعنی در این سیزده سال گذشته، در انتخابات شرکت کننده های کاندید

در انتخابات ریاست جمهوری، برخلاف فرایند دوم قانون اساسی، غالب نیروهای انقلابی و کمونیست، سادرساً اعلام شرکت نموده و وارد صحنه مبارزه انتخاباتی شدند. شرکت اس نیروها، بخودی خود می توانست بخش غالب توده های را که بلحاظ ذهنی رسیده و امکان تحریم اس انتخابات را داشتند، به شرکت در آن بکشد. و به اس ترتیب بطور محسوساً در تعداد افراد شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری، نسبت به فرایند دوم میلی، سافزاید. لیکن مدوری فرمان "تقدیم" بنظر خارج کسردن کاندیدانی مورد حمایت و ستیاسی نیروهای دموکرات و مری و وزعی نیروهای کمونیست - متعصب و زحی - اس نیروها را سفاکتر از شرکت در انتخابات بخروم با حد. حسن چرکی اسوی هشت تا کمه، اس نیروها و لاجرم بوده عظیم بحت نفوذ آنها را سبب یک تحریم اجاری سوب داد. اگر حد اس نیروها در این هم موضع غیر فعال و بی تحرکی را اسجاد کردند و گویند سادس اهداف خود اس شرکت در انتخابات را که بر عم آنها اس در همه سارکت عمل و سنگیل یک حبه کسندره اس نیروهای انقلابی و مداسیرالست بود. در صحنه اصلی مبارزه و حول یک محور و امی انقلابی، حق بختند.

با اس حال اس وضعیت بوده وسیعی را اس شرکت در انتخابات منصرف نمود. در آراء، رخنه شده در صندوق ها خودی خودی سواند، حجم عظیم این توده تحریم کننده را بنمایش بگذارد. در واقع از میان حدود ۲۲ میلیون خاورس برات یک شرکت (مطابق آمار خود رژیم) حدود ۱۲/۱۵ میلیون نفر یعنی فقط حدود ۶۵٪ آنها در انتخابات شرکت کنند. که اس رقم کمترین تعداد افراد شرکت کننده در طی یکساله حاکمیت رژیم را تشکیل میداد. اگر حتی مطابق آمار خود رژیم هم فرضاً و بنمایش، در فرایند دوم جمهوری اسلامی، ۹۸٪ در فرایند دوم قانون اساسی ۷۲٪ و در انتخابات ریاست جمهوری ۶۵٪ مردم شرکت کردند. در واقع اس میزان در عرض ده ماه، ۳۳٪ در عرض یک ماه ۸٪

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

اخبار کوتاه کارگری

کارگران بیکار قزوین:

کارگر زندانی، دشمن امپریالیسم
سرمایه دار مزدور نوکرا امپریالیسم

کارگران بیکار قزوین بعد از ماه مبارز و بعد از اینکه دو نفر از نمایندگان نشان توسط رژیم حامی "مستضعفان" به زندان افکنده شدند، روز سه شنبه ۹ بهمن در خانه کارگری اجتماع کرده و خواهان آزادی نمایندگان خود شدند. ولی از آنجا که مسئولان مورهبی توجیهی به خواست آنها نداشتند، کارگران تصمیم گرفتند که دست به یک راهپیمایی در سطح شهر بزنند. این راهپیمایی که حدود ۱۵۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، با حمایت مردم روبرو شد. راهپیمایان قریباً میزبند "کارگر زندانی آزاد" را با بد کرد. کار برای بیکار را ایجاد با بد کرد و "کارگر زندانی، دشمن امپریالیسم، سرمایه دار مزدور، نوکرا امپریالیسم". این راهپیمایی بنیاداً در یک قطعا نمایان یافت.

کارگران کوره پزی توکسل امپهان مبارزه خود ادا می دهند

کارگران، بعد از چند بار اعتراض برای تا حق بیمه، حق مرخصی، تعطیلی و اضافه دستمزد و گرفتن حداقل حقوق، از اول امسال مراجعات زیادی به اداره کار استان داشتند... کردند و بعد از اینکه صاحب کوره پزی ادعا کرد که پول ندارد، کارگران خودتصمیم به توبیخ کردند. با وجود اینکه مقامات مربوطه از سرمایه دار دفاع می کردند، کارگران خودتصمیم به توبیخ را عهده دار شدند و سرمایه دار را گفتند "گرسو فرستگنی بگذار ما هم صبر کنیم. نویسنده رتدگی را داری و بجات دز آمریکا درس میخواند ولی ما چه بمان از کوچکی کار می کنند و ما حت کوره پزی که انتظار دید دست به توبیخ زد و کارخانه را تعطیل کرد و بی کارگران تصمیم دارم که کارخانه را معادله کرده خود آنرا اداره بماند.

"حزب توده" حزب ضد توده!

روز سه شنبه ۵۸/۱۰/۲۹ رأی داری آن سوزش و بیرونی و مدارس میا با دو حومه با طرح خوار... های منفی خود در سانس فرمانداری دست به تخطیب زدند. اخبار رسیده از میا با دتا روز ۵۸/۱۱/۸ حکایت از آرا دارد. بخش این زحمتگان دارد. این تخطیب با پستیهای کلیه گروهها و سازمانهای آذربایجان روبرو شد. در عین حال هواداران حزب توده کسان: کانون معلمان را زیر نفوذ خود درآوردند. سروی... متی خا نشانده این حزب از رهگذر کارکنی و اختلاف بر علیه زحمتگان تخطیب در فرمانداری در تخطیب... بقیه در صفحه ۴



مبارزه کارگران علیه اخراج و بیکاری ادامه دارد

دستمجمعی جلوی کارخانه ایرانی رفته و پشتیبانی خود را از کارگران اخراجی اعلام کنند. حدود ۸۰ نفر از کارگران بیکار راجلوی کارخانه ایرانی رفته و منتظر خروج کارگران از کارخانه شدند. یکی از کارگران بیکار ریس از اعلام پشتیبانی دسیسه های کارفرما را افشا کرد و گفت اگر امروز این ۸۰ نفر اخراج کنند فردا نوبت شماست. اگر جلوی اخراج کارگران را نگیرید، فردا اولیتر کارگران بیکار با مزد ۳۰ تومان استخدام خواهند کرد. کارگران بیکار روئان با بد بر علیه اخراج و بیکاری متحد شوند. با وجود کوشش فراوان رئیس مزدور کمیته برای تفرقه افکنی بین کارگران بیکار روئان غل، کارگران ایرانی با طرف کارگران بیکار را آمده و با هم ابراهیمسنگی کردند. پس از آن کارگران به تجمیع خود با ن دادند.

حرکت انقلابی کارگران بیکار کرج قدم کوچکی در راه اتحاد بین کارگران بیکار روئان غل است. کارگران بیکار روئان غل باید با وجود آوردن سندیکا - های واقعی خود جلوی اخراج کارگران را بگیرند. کارگران را بر ضد توطئه های سرمایه داران متشکل سازند. کارگران شاغل باید بدانند که بیکاری در نظام سرمایه داری تشری است که در خانه هر کسی میخواهد به همین جهت مبارزات انقلابی کارگران را غل و بیکار را زهم جدا نیست. (تلخیص از اعلامیه ۵۸/۱۱/۱۰ حوزه کرج)

در تاریخ ۴ بهمن ماه شورای ضد کارگری کارخانه ایران ۸ نفر از کارگران مبارز کارخانه را اخراج کردند. علت اخراج این کارگران مبارزه - ای بود که آنها برای گرفتن حقوق اولیه کارگر - ان کرده بودند و در نتیجه بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران حقوق منفی خود شده بودند. آنها در مبارزات کارگران برای گرفتن سود ویژه منحل کردن شورای قلابی و سایر حقوق کارگران فعالان شرکت داشتند - کارگران را به مبارزه متحدانه بر علیه سرمایه - داران تشویق میکردند. شورای کارخانه که بنا بر زکی بعد از منحل شدن شورای قدیمی تشکیل شده است عمدتاً از افراد ضد کارگر تشکیل شده است و کارگران مبارزی که در شوراهای هستند به دلیل وجود عناصر ضد کارگر نمیتوانند کاری از پیش ببرند. اخراج کارگر - ان منازجه تخریب کارمند شوراهای که ما بقه ضد کارگری اوروش است، صورت گرفته است. کارگران اخراجی از آنجا که میدانستند وزارت کار حامی سرمایه داران است و مطابق ماده ۳۳ قانون ضد کارگری خود اخراج آنها را تائید خواهد کرد به سندیکای کارگران بیکار روبرو از کرج و حومه شکایت کردند.

روز سه شنبه ۶ بهمن کارگران اخراجی ایرانیان اداره کار بیای کرج محل سندیکای کارگران بیکار مراجعه کرده و در حضور کارگران جریان اخراج خود را شرح دادند. کارگران بیکار تصمیم گرفتند که

کارگر میز زهد، سرمایه دار میلیاردر

روزیکشنبه ۵۸/۱۰/۲ کارفرما و سرچماندار بد محل کارگاه می آیند. نمایندگان کارگران برای گفتگو در اتاق کارفرما حاضر میشوند و دستکارگران دست از کار میکنند و مقابل اتاق به روی زمین می - نشینند. سرچماندار می گوید شرکت بخاطر فصل زمستان و کمبود بودجه تا کریه تعطیل کارگاه است. نماینده کارگران در جواب میگوید: کارگاه به هیچ عنوان نباید تعطیل شود. ما مدت هفت ماه در این کارگاه کار کرده ایم، اگر کارگاه تعطیل شود، ما بیکار می - شویم که هیچ، علاوه بر آن چون کارگاه کمترین کسب و محسوب میگردد از حق اولاد، حق ممکن و حق بیمه نیز محروم خواهیم شد و ما همکاران را زده نخواهیم داد که بقیه در صفحه ۴

شرکت آکروپل که کارهای ساختمانی مرکز تجزیه پستی را در دست دارد، چندی پیش به کارگران و کارمندان کارگاه اعلام میکند که شرکت قصد تعطیل کارگاه را دارد. اعتراضات کارگران و کارکنان در عرض دوروز شدت بالایی گیرد. کارگران تصمیم می - گیرند، بهر صورت که شده از تعطیل کارگاه جلوگیری کنند. زیرا که تعطیل کارگاه، کارگران و کارمندان کارگاه را به بیکاری میکشاند و چون بیشتر آنها کمتر از یکسال سابقه کار دارند، نمی توانستند حق مسکن، حق اولاد و حق بیمه مطالبه کنند. کارگران گروه جمع میشوند و برای خود چند نفر نماینده - انتخاب میکنند که این نمایندگان با مسئولین کارگاه در این باره گفتگو میکنند.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ حزب توده ...

نکرده اند. به همین دلیل وقتی که نماینده ایمن کانون قلابی قصد داشت برای متحصنین سخنرانی کند با فریاد اعتراض آنها روبرو شد. آنها با شعار مرکز حزب توده جواب دادند و نشانگرانی به آقای نماینده دادند.

اعتصاب کارگران کارخانه قرقره زهیا

روز چهارشنبه ۲۵ دیماه کارگران کارخانه قرقره زهیا واقع در جاده کرج بمنظور رسیدن خواسته های صنفی خود دست از کار کشیدند. این اعتصاب بعداً با دخالت کمیته و سرپرستها و مدبر کارخانه درگیری انجامید. طبق اخبار روا شده درگیری روز سه شنبه ۲۷ دیماه در نوازه های نماندگان زن و در نوازه های نماندگان مرد دستگیر می شوند که از سر وقت آنها اطلاعی در دست نیست. شورای کارخانه که بهیچوجه یک شورای کارگری نیست همواره بر علیه کارگران توطئه جیده و معترضین را اخراج و بیسایه بندی به اجرا می کند.

کارگران کارخانه ضمن اظهار نفرت از شورای قلابی خواهان آزادی نمایندگان خود شده اند.

هستیگی و اتحاد کارگران ضامن پیروزی است

روز ۵۸/۱۰/۲۷ بدین سال اخراج ۵ نفر از کارگران کارخانه نبارش افغانان به بهانه چند دقیقه دیر آمدن، کلیه کارگران کارخانه در اعتراض به این اقدام ضد کارگری مدیر کارخانه دست از کار کشیدند. تهدیدهای عوامل کارفرما و توطئه های تفرقه افکنانه شان نتوانست در اینجا دو یکپارچگی کارگران خلی ایجاد کند. کارگران یکمدا خواهان بازگشت به کار همکاران خود شدند.

سرانجام کارفرما نتوانست در مقابل فشار کارگران مقاومت نماید و ناچار شد که کارگران اخراجی را مجدداً بر سر کار بگرداند.

بقیه از صفحه ۱۱ امروز دفاع ...

از زمان شما تا بدینجا رسیده که کودتای امیرالیهی را حمایت می نماید، مزدوران رومیونیست را "ترتی خواه و جیب فلنداد می کشید و جنبه انقلاب و خلق افغان را بدست فراموشی می سپارید و در پیسی آن هستید تا در مبارزه علیه امیرالیهی آمریکا بر سوسال امیرالیهی شوروی تکیه کنید. روشن است که این ارزیابی ها جدا از دیدگاه شما نیست به مسائل انقلاب و ضد انقلاب در ایران نمی باشد. رفقا! چگونه میشود که بین ارزیابی شما از واقع افغانستان و ارزیابی حزب توده مزدور و خیانتکار شوروی تجاوت را برقرار کنید؟ تفاهوتی وجود ندارد؟ اگر شما خود را مارکسیست - لنینیست می دانید چگونه تحلیل ما را - کسبیتی شما با تحلیل رومیونیستی در تطبیق قرار می گیرد؟ از دحوال خارج نیست یا تحلیل رومیونیستی ما کسبیتی می باشد و اینها برای آن است که به نقطه نظر شما رسیده اند و با تحلیل شما رومیونیستی می باشد و با تحلیل آنان منطبق گردیده است. بنظر ما رومیونیستی ما هیت عوض نگردانند و آنچه و قیمت داد و دالت دوم می باشد.

بقیه از صفحه ۳ کارگرمی رزم ...

دیناری از حق ما کسر شود، سرحدات را رعایت می شود و بلند شده به همراه ما برین از اتاق بیرون می آید و در حالیکه بطرف اتومبیلش می رود میگوید: همین است که گفتم. سپس سوار ماشین می شود و بطرف در خروجی حرکت میکنند. چند نفر از کارگران فوراً در خروجی را با تیر آهن و تخته می بندند. نمایندگان و سایر کارگران بطرف اتومبیل حامل سرحدات هجوم می آورند و بیرون از اتومبیل بیرون می کشند و در حالی که بیشتر کارگران خشمگین و میله آهنی در دست راه خروجی را سد می کنند، دیگر کارگران با میله آهنی و جوب بسوی سرحدات و کارفرما حمله می برند که نمایندگان کارگران مانع از درگیری می شوند و آنها را ساکت می کنند. یکی از نمایندگان رومیه سرحدات را میگوید: من به نمایندگی کلیه کارگران این کارگاه در حضور همه اعلام می کنم که کارگاه بهیچ عنوان حق تعطیل کردن را ندارد. اگر کارگاه تعطیل شود تمام ماشین آلات کارگاه و مصالح ناختمانی موجود به نفع کارگران مصادف می شود. می توانند عکس العمل ما را آزمایش کنند. کارگران با مشت های گره کرده و با گفتن صحیح است، سخنان نماینده خود را تصدیق میکنند. کارفرما و سرحدات را که وحشت سراپایشان را گرفته بود میگویند: فعلاً بسراگردید و آرامش خود را حفظ کنید، ما فردا برای مذاکره به اینجا خواهیم آمد. روز دوشنبه ۵۸/۱۰/۲۳ مسئولین کارگاه قبول میکنند که کارگاه تعطیل نشود و کلیه حقوق کارگران و کارمندان و باغچه حقوق عقب افتاده و مقداری از فوق العاده شغل آنها پرداخت می شود و توافق می شود که نصف روز کار کنند و نصف حقوق دریافت دارند. کارگران فعلاً مشغول تشکیل شورا هستند تا اداره کارگاه را به عهده گیرند. ■

رفقای فدائی! سازمان شما پس از یکدوره از فعالیت مبارزاتی خود، بدون اینکه به نفعی انقلابی و کامل منی چریکی بپردازد، بدون اینکه به طرد و تصفیه افکار و نظرات لیبرالی و رومیونیستی و حامیین آنها دست بزنید و بدین طریق خط فاسد عمیقی بین خود و رومیونیست بکشید، در حال حاضر بازندگان رومیونیستی را می دارید. خطرات که سرانجام آن بس هولناک است. رفقا! خطرات مهمی سازمان شما را تهدید می کند و تسمه آفرین گفتن های حزب خائن توده شما بی دلیل نیست! ■



بقیه از صفحه ۷ اتحادیه دهقانان ...

مخالفت می کردند و می گفتند که ارشاد ما چرا جوشی و "جبهه گیری مستقیم در مقابل دولت" است، که ممکن است این جنبش نوپا را بکلی منلانی کند. جلسه ای با شرکت نمایندگان ۶۲ ده تشکیل شد. جلسه تصمیم به تقویت پیشمرگه ها میگرد.

رفیق در مورد مخالفت اقلیتی از روشنفکران میگوید: "البته از روز اول که این مخالفتها شروع شد ما این دو نظریه را بین مردم مطرح کردیم، نظریه ما وقتی بصورت عمل و اجرا درآمد، روزی روزی افراد را - های بیشتری پیدا می کردیم و مردم هم که این نظریه ها پیشا و مطرح شده بود پس از مشورت های زیادی نظریه ما رو پذیرفتند و برای اونا هم روشن شد که در بین روشنفکران اختلاف عقیده وجود دارد و اونام بکجا رجه نیستن و با بد نظرات مختلف غنوت و قفا و ت کرد و در نهایت هم این رای مردم نبود که مسئله رو حل کرد. چون ما در جناح روشنفکری قا در به حل مسئله نبودیم". پس از مدتی جناح مخالف به اشتباه خود اذعان می کند و ولی رفقا از اشتباهات شیرین برای پرورش توده ها استفاده میکنند نه اینکه اختلافات را ماستمالی کنند. آنها ملزم می شوند همراه دیگر رفقا به روستا رفته و در حضور توده ها به اشتباه خود اعتراف کنند. بدو علت: "یکی اینکه این روش بیست پیشرفت حتی ذهنی هم داشته باشد و همینکه دهقانها که از این دودستگی خیلی ناراحت بودن و مرتسب هم ما رو قسم میدادن که بیخا طرفخدا و بیغمیر بیهم بیبونید و این شکاف را از بین ببرید" در ضمن این جریان گفتگوهای جالبی پیش می آید:

"... چند نفر دهقان خطاب به روشنفکرها مطرح کردن که به ما خیانت نکند" یکی از دهقانان به رفیق فواد میگوید: "اگر فواد دولت مستقر نشود شغل تون و آب و رو خوبی به تون داد... ما رومیه مون خدا ول نکنی" و یکی از روشنفکران جواب میدهد: "اگر فواد دولت "جاش" استخدام کرد، توهم با ما همی دوسه هزار تومن دنبال سرما نگردی" و "فرا بر این شکله هر طرف خط کردیم جاش تون مرگ با شد". رفیق فواد مطرح می کند که "این خیلی مهمه که در آینده عده ای به جریا نهای خبانت نکن ولی ما با بدرجریان - روطوری پیش ببریم که خیانت تک با چند نفر تونه اون را در هم بشکنه... با یادشور سیاسی رومیالا برد..."

در میوان در سایه مبارزه و مقاومت کم کم اتحادیه دهقانان "قدرت و استحکام می یابد و ستاد آن بصورت یک ارگان اجرائی" توده ای در می آید، ولی مالکان از توطئه دست نمی کشند و دولت نیز به آنها باری میرساند. بله... مالکان تمام این آتوبها رومیه را بین بوجود میارن که روابط ظالمانه - شون حفظ به شانه بهتر زندگی بکنن "در آخر رفیق فواد می گوید:

" دولت هر روز در گوشه ای از کردستان ایمن برنا مه های توطئه شو پیدا ده می کند ولی تکرار این توطئه ها با لآخره بجاش منجر میشه. همینطوری که نعمونه"

و دیدیم که به جنبش توفنده، پر شکوه و پیروز منند خلق کرد انجامید. ■

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

وزارت کار و شورای جنرال موتورز ارباز سرکوب سرمایه داران

"اتومبیل ساز" نثره عده ای از کارگران جنرال موتورز در تارنا ریخ سی دیما منتشر شده است که در آن مطالبی دربار ضرورت انتشار نثره، جنبش خلق کرد، نمونه‌های از اعمال فدکارگری کارفرما و "شورای کارخانه و... درج شده است. در زیر مطلبی را از این نثره می آوریم:

یکی از دوستان کارگران بنا میبندنی حسنی که چندماه پیش با شغل آهنگر درجه یک استخدام شده اخیراً معاون رئیس تعمیرگاه (بزدانی فدکارگر) بزروریا هیچگونه دلیل قانع کننده ای اورا وادار کرده که علاوه بر کار خود در قسمت تعمیر جلوبندی نیز کارکنند اینک دلایل سیدتی بنظر کارگران قسمت قانع کننده بودولی شورای فدکارگری بدون تو به دلایل او از روزگوشی بزدانی حمایت میکنندومی - گوید اگر از دستور سربزست قسمت، سربچی کنسی (یعنی حرف زور بدون دلیل راقبول نکنی) باید اخراج شوی.

دوست کارگر ما بخیا اینک در "جمهوری اسلامی" وزارت کار دیگر بطر غوثی نیست برای با مال شدن حق خود به وزارت کار شکایت می کندولی وزارت کار جواب میدهد سروه کارگری برایت گفتند کوش کن و الا حق دارندا اخراجت کنند. و شورای کارخانه بسترمانه از سیدتی می خوا هدکه بتنا ربا بدت عهد دهد و سه سرکار برگردد.

حال دوستان کارگر عا قضا وت کنید. شورا و وزارت کار در خدمت کیست؟ و چگونه در مقابل کارگری که از حق مسلمش دفاع میکند طرف بزدانی ها عوامل سرمایه داران را می گیرد. آیا با این حال میشود گفت که شورای ما و وزارت کار طرفدار کارگران است؟

ملی ایران را که چکیده مبارزات کارگران است شرکت بودا عنانر آگاه و مبارز تحفه کرده و مزدورین خود را در آن گنجا نیندند و هم اکنون این "شورای انقلاب اسلامی" (سیرازیکی دونفر) ترکیبی است از مرنح - ترین کارکنان شرکت که بعضی از اعما ی آن تا ۲۳ هزار تومان در ماه حقوق میگیرند. واضح است شخصی با ۲۳ هزار تومان حقوق دریا نمی تواند درد من و نوبی کارگر را نفس یا حتی درک کند.

شورای که بشهادت نامه اعما ی آن به "شورای انقلاب اسلامی ایران" چندین بار از دکتر چمران، این حلا د قدیمی خلق فلسطین در "تل زعتر" و حلا د جدید خلق قهرمان کرد و زور برداع ضملی کنونی و آنچه شناخته شده امیرالیم آمریکا، دارا ره امور هواپیما ش ملی ایران نظر خواهی!! کند بروشی معلوم است که نه طرفدار حقوق مسلم ما کارگران بلکه طرفدار سرمایه دارها و منافع دولت آنهاست. این شورا فقط کارش نظر تری بر بهره کشی و استثمار هر چه بیشتر ما کارگران است و لا غیر.....



حرفهای زحمتکشان از نثریات زحمتکشان

موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری

باید بویا هم مثل گذشته کارگران و زحمتکشان را غارت کنند، مثل رژیم شاه، اعتماد و تحسین کارگران را ممنوع کرده و بجای باخ به کارگران بیکار رگلوله تحویل آنها داد. دوستان کارگر، کار شوری... غیر منتظره نیست و نبوده است برای اینکه کسی ما نندر فسنجانی، بهشتی، بازگان و... در شورای انقلاب نبوده و هستند که خودشان سرمایه دار هستند. یعنی به نفع آقای بازگان نیست که با سرمایه داران مبارزه کند... و اما کار دوم... ارتش ضد خلقی شاه را که ملا نابود می کردیم و ارتش خلقی از نیروهای انقلابی و خلقی تشکیل میدادیم، سرمایه داری بزرگ را از بین میبردیم و مقدمه جامعه بی طبقه را فراهم میساختیم. قدرت را از طریق شوراهای کارگری دهقانی بدست می گرفتیم. اما چه کسی میتواند این کارها را انجام دهد؟ طبقه کارگر با تشکیلات واقعی خود؟ یا طبقه سرمایه دار با دولت سرمایه داری؟ معلوم است تنها کارگران و زحمتکشان میتوانند جامعه بدون ظلم و استثمار را برقرار سازند. خوب ما میبرسیم رفتارند جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان، قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری کنونی برای بازسازی نظام سرمایه داری صورت میگیرد و برای نابودی نظام سرمایه داری که دشمن ما زحمتکشان است؟ از آنجا که انتخابات ریاست جمهوری کنونی (با کاندیداهائی امثال مدنی و...) توسط هیئت حاکمه ضد خلقی برای بازسازی سرمایه داری وابسته صورت میگیرد. ما انتخابات ریاست جمهوری را تحریم میکنیم یعنی در آن شرکت نمی کنیم.

در شماره اول پیک کارگران بیکار کرج و حومه که در نیمه اول دیماه منتشر شده است، مطالب زیر به چشم میخورد: ۱- از مبارزات کارگران بیکار چه می آموزیم؟ ۲- چرا کارگران را بیمه درمانی نمی کنند؟ ۳- گزارشی از تحسین کارگران بیکار قزوین ۴- گزارشی از تحسین کارگران کارخانه فاشن شهردر فرمانداری کرج... و موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری که ما از این مطلب آخری قسمتهای را در زیر می آوریم. "باردیگری و کورنای رژیم با مصالح طرفدار زحمتکشان بعداً در آمده تا انتخابات ریاست جمهوری را برپا کند. این انتخابات هم مثل رفتارند جمهوری اسلامی - رفتارند مجلس خفتگان - رفتارند قانون اساسی بر گزار خوا هدشده آنکه دردی از میلیونها درد طبقه کارگر علاج شود. راستی چرا؟ برای روشن شدن موضوع یک مثال میزنیم. فرض کنیم ما یک خانه کلنگی داریم و میخواهیم در آن زندگی کنیم. ما دو کار می توانیم انجام دهیم، یا خانه را با لکل خراب کنیم و از نو خانه محکی بنا کنیم و یا همان خانه کهنه را وصله و بینه کنیم. این مثال در مورد جامعه ما هم درست است. بعد از قیام بهمن ما دو کار می توانستیم انجام دهیم، یکی همین کار است که شوژای فعلی انقلاب انجام داد یعنی نظام سرمایه داری وابسته را بازسازی نمود. ارتش ضد خلقی شاه را که زهم پاشیده بود، دور تبه آرا بازسازی کرد و تا آنرا از شاهنشاهی به اسلامی تبدیل کرد. ادارات و موسسات دولتی با همان رومای قبلی ربا رها انداخت. از سرمایه داران فراری امثال خیامی ها، ستاور و شایها و... دعوت میکرده که به ایران

"هواپیمائی ملی ایران" و "شورای انقلاب اسلامی" آن

بخشهای مختلف آن بهره‌های گنجا تده شده اند که نهادها و حرکات انقلابی را تحت کنترل و نظارت شدید خود درمی آورند. این بهره ها بنوع خود سکه بهم پیوسته و پیچیده ای را در درون این شرکت تشکیل می دهند که تا کجا پیش از بالا بدپاشین در هر سطحی ریشه دوانیده است. ... اهرمهای چون "کمیتد" مستقر در فرودگاه و "انجمن اسلامی ها" و "شورای انقلاب اسلامی هواپیما ش ملی ایران" است. استفاده از احساسات مذهبی بعضی از کارگران و کارمندان این شرکت، سدره هر حرکت انقلابی شده و آرایش سربزست سرکوب می کنند. بعنوان مثال شورای انقلابی هواپیما ش

نخستین شماره های مبارز نثره عده ای از کارگران هواپیما ش ملی ایران، اخیراً منتشر شده است. در این شماره مطالبی بیاریم: "هواپیما ش ملی ایران و شورای انقلاب اسلامی آن"، "بخشنا سه مدیرعامل جدید در رابطه با کمکاری و شورا ها"، "افشای رویزونیستها و همچنین اخبار کارگری و لیست سعادی از عنان سروا بسته به رژیم سابق که هنوز در هواپیما ش ملی مشغول بکارند، آمده است. آنچه در زیر ملاحظه می کنید، قسمت های از مقاله ای است تحت عنوان فوق:

سیستم پیچیده اداری و بوروکراتیک هواپیما ش ملی ایران به ترتیبی سازمان داده شده است که در

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

خلق‌ها و مسئله ملی



پس از خروج پاسداران :

نظا هرات ۲۰۰ هزار نفری مردم سندج!

مردم از صبح زود جلواستاداری جمع شده بودند تا پیروزی خود را که در سه ساعت دو همتستی و پس از ۲۹ روز ترحم بدست آورده بودند نظا هرات عظیمی به تمام خلقهای ایران و جهان اعلام دارند . روحه مردم بسیار خوب بود ، آنها در عمل بقدرت همتستی و یکبارگی بی برده بودند . آنها فهمیدند که در برابر اردشاهی متحد خلقها هیچ نیروی را با رای مقاومت نیست و با ایمان به این نیروی لائبرال آمده بودند تا با ردیکر توسط یک راهبها شکیوه همتستی را بنمایش بگذارند .

بنترا شروع راهبها شکی چندین پیام و سرود خوانده شد و ضمن چند سخنرانی کوتاه هرات جمع به ما هیت رژیم و سنی مدرو و ظایف مردم برای حفظ دستاورد های مبارزه و توسعه آن توضیح داده شد .

ساعت ۱۱/۵ با بازگشت نمایندگان متخصصین که برای اطمینان از خروج پاسداران به مرکز سیاه رفته بودند ، سزوغرا هبها شکی از یلندگویی استنادا ری اعلام شد ، در باری خلق ، مواج و پرخروش ، سر بلند و برتوان با شعارهای انقلابی براه افتاد . نظا هرات کنندگان یکبارچه شور و شوق بودند و صفوف آنها با پیوستن مردم هر لحظه فشرده تر میشد .

وقتی جمعیت مقابل مرکز سیاه پاسداران رسید ، با صدایی رسا تر که شکی از کینه و نفرتشان به این جماعت سرکوب رژیم بود شعرا دادند .

بیش از ۲۰۰ هزار نفر از اهالی سندج و حومه

در این راهبها شکی شرکت کرده بودند . بی شک سندج تا کنون چنین نظا هرات عظیم و منظمی را بخود ندیده بود .

راهبها با پس از گذشتن از چند خیابان بطرف میدان آزادی حرکت کردند . آنها در این مسیر در حالیکه سرودهای رقیب را میخواندند ، محکم بر زمین پای می گویدند .

بعضی از شعارهایی که در طول راهبها شکی داده میشد عبارتند از :

- ۱ - تحن توده ها نشان وحدت ما - اخراج پاسداران - ان بیانگر عزم ما .
- ۲ - امیرالایم آمریکا ، دشمن خلقهای ایران .
- ۳ - حزب توده فریبکار! - ای خاشن سازشکار - سنگ به نیرنگ تو .
- ۴ - اتحاد ، مبارزه ، پیروزی .

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر جمعیت بمیدان آزادی رسید و دورتا دور میدان و خیابانهای اطراف آنرا پر کرد . برتا مه با بیامی از ما موستا شیخ عزالدین حسینی شروع شد و سپس بیامی سازمان چریکهای فدائی خلق ، حزب دمکرات کردستان و کومله قراشت شد . آنگاه هیئت نا مساعبدون هوا بیامی سازمان پیکار ، تشکیلات زحمتکشان ، شورای دانش آموزان ، ستاد ، شورای هماهنگی ، راه کارگرو ... خوانده شد و جمعیت با شنیدن قطعنا مه متخصصین متفرق گردید .

خبر ویژه

عاملان امپریالیسم آمریکا و بعثی های فاشیست عراق در کردستان خلق سلاح و دستگیر شدند

هم مهبنا مبارزا! سپاه رزگاری (سپاه رزگاری) از چند ماه قبل در کردستان بوسیله مادم نقشبندی پسر شیخ عثمان نقشبندی که یکی از فعالین سپاه و ساواک در منطقه کردستان بود درست شد و بوسیله بعثی ها از نظرسر تجهیزات نظامی تقویت و مستقیما از اردشیرزاهدی و پالیزبان و جاسوسان سپاه بوسیله عراق پول می گرفتند و این مزدوران برای سرکوب شیروهبای - انقلابی و لطمه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان درست شده بود ما سازمان انقلابی زحمت - کشان کردستان ایران (کومه له) بنا به وظیفه انقلابی خود نتوانستیم در مقابل این جریان ضد خلقی بی تفاوت باشیم ، تصمیم گرفتیم که آنها را خلق سلاح و رهبران آنها را دستگیر کنیم . در روز ۵۸/۱۱/۹ در مدت ۲۴ ساعت تمام با یگا هبها شکی را خلق سلاح و تمام رهبران را دستگیر کردیم . ما معتقدیم که امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلیش با بد از ایران ریشه کن شوند برای مبارزه با امپریالیسم با بد اول عوامل داخلیش را نابود کرد و بنا به همین اعتقاد با هر حرکت ضد خلقی هر چند ضعیف با تمام نیرو مبارزه خواهیم کرد .

حال از رهبران خاشن حزب توده میبرسم عامل امپریالیسم کیست ؟

در این مدت برخورد حسابگرا نه هیئت حاکمه با سپاه رزگاری ، و جنگ تحمیلی که بعد از خلق سلاح این مزدوران امپریالیسم آمریکا ، بوسیله جاشهای مفتی زاده خاشن و سپاه پاسداران تاج و زگر ، سر مردم مبارزگان مبارزان وارد شده ، بی مناسبت نیست!

" مرگ برای امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلیش "

" پیروز با دمبارزه فدا امپریالیستی خلقهای سزایران "

" خلق کرد پیروز است "

" ارتجاع نابود است "

" سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له "

۵۸/۱۱/۱۱

فاشیست عراق ارتباط میدهند . در زیر قسمتی از اعلامیه کومه له را میخوانید

دارودسته رهبران سپاه رزگاری عمدتا از شیخ - زادگان مرتجع و جاشهای سابق ، بشود آنها ، بدوها و قلدرهای فدمردم تشکیل شده اند . آنها در دوران پهلوی جزو نزدیکان شاه بودند . شیخ مادم رئیس "سپاه" بنا به خواهشها و جاشها بتکارت روابط نزدیک داشت بقیه در صفحه ۱۲

"سپاه رزگاری" ، توسط "کومه له" قلع و قمع شد

● دارودسته رزگاری ، عامل امپریالیسم ، سرسپرده رژیم شاه و مزدور بعثی های فاشیست عراق در کردستان هستند .

● حال از رویزیونیستهای خاشن توده و جنگ افروزان حزب جمهوری اسلامی باید پرسید "ضد انقلاب" و عامل امپریالیسم کیست !؟

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) ضمن انتشار اعلامیه ای بتاريخ ۵۸/۱۱/۹ مزدوران بعث عراق و کما شکان شاه فراری را که خیرا تحت عنوان "سپاه رزگاری" (بعثی رزگاری!) در جنبش دالان خلق کرد اخلال می کنند ، افشا نموده است .

هما نظور که میدانیم پیشمرگان کومه له بدون حسی شلیک یک شیر گردانندگان و رهبران مزدور "سپاه رزگاری" را خلق سلاح و بازداشت کردند . آگاهسی از

ماهیت و عملکرد این سپاه که توسط رژیم فاشیستی بعث عراق تاندانان ملحق شده بودند ، بویژه از آنجا اهمیت دارد که چندی است حزب جنگ افروز جمهوری اسلامی و همپالکی اش حزب توده ، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را زیر حملات تبلیغاتی ناجوانمردانه و عوامفریبانه خود گرفته و سعی در منفرد کردن سرکوب کومه له را دارند و قیاحتان این سازمان انقلابی را به مزدوران بعثی و رژیم

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جنبش دهقانی



مبارزات دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه

دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه بر شدت مبارزه خود بر علیه فئودالها افزوده اند. در روستاهای "بارانی" و "با دگالو" دهقانان زمینهای فئودالها را مصادره نموده و شخم زده اند. در روستای "بارانی" حدود ۷۰ خانوار از خوش نشینان جمعاً ۱۴۰ هکتار از زمینهای متعلق به "محمدباقر خان احمدلو" و "سیدحسین اردهالی" از فئودالهای منطقه را تصرف کرده و دیگر دهقانان نیز با واگذاری تراکتور و سایر وسایل لازم به آنان باری رسانده اند. در دیگر روستاهای منطقه "سلدوز" دهقانان هر چند به علت بریزش برف نتوانسته اند در مورد ضبط زمینهای فئودالها اقدام کنند، ولی سوکنده خورده اند که در اولین فرصت آنها عملی سازند. دهقانان میگفتند که اگر کسی بخواد مانع مصادره زمین فئودالها گردد، با اسلحه دولت (۱) دست به مقاومت مسلحانه خواهند زد.

(۱) - دولت به منظور "حک باکردها" اسلحه در اختیار دهقانان قرار داده است. اما دهقانان که دریافتند این اسلحه آنها به طلی مبارز کرد، بلکه فئودالها و اعیان آنها میباشند، قصد دارند از این سلاح علیه فئودالها استفاده کنند که این خودشان دهنده رشدها که سیاسی دهقانان را چمتو میکند است.

رأی بیشتر می شناسند و کمک ها بشان را به آن افزایش می دهند. نفرات مسلح به پیشمرگه میفرستند. پیشمرگه ها مسلحانه یکمک دهقانان که در مقابل تجا و ز مالکان ایستادگی میکردند، می شناسند و هر جا که مزدوران مسلح مالکان پیشمرگه ها را با صاعقه در می آورند، دهقانان و مردم شهری از اطراف به کمک آنها می آیند. در مناطقی که کار سیاسی کم شده بود، باره ای از دهقانان محافظه کار را میترسیدند - گفتند "شما منطقه ما را به آتش و آشوب می کشید و ما لک ها از این بیعدما را راحت نمی گذارند و ما را میکشد ولی اکثریت مخالف نظر آنها بود"، رفق در تصمیم گیری همیشه با یکدیگر توده ها تکیه می کنند و از بالای سر توده ها عمل نمی کنند. در مورد بحث های سیاسی که پیش از یکی از برخوردها در می گیرد، رفیق می گوید: "اوایل میخواستیم مسئله را خودمان و از طریق نظامی حل بکنیم، ولی بعد از بحث و بررسی تصمیم گرفتیم که مردم منطقه را به داخل ایستادگی برسانیم و از آنها کمک بگیریم برای حل مسئله می گفتیم بگذار آنها هم دخالت بکنند، چرا درجانه با بستند و ما شاکت بکنند" و بیگفته خود رفیق "ایسن طرز برخورد بین دهانها تا سربزایدی داشت". برای ارزیابی موضوع که مردم بطور این روی داد برخورد میکنند و نیز تعیین تکلیف نظرات پارهای از روشنفکران که ارهان ابتدا با تشکیل پیشمرگه

بقیه در صفحه ۴

سخنی درباره کتاب :

"اتحادیه دهقانی مریوان و تجربه های آن"

گفتگویی با رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی

مسلح بودن، مسلحانه اعمال قدرت میکردن و سعی میکردن اجازه ندهند که دهقانها فعالیت بکنن و تشکلی داشته باشن، برای دفاع از این تشکلی حداقل دهقانها میبایست مسلح باشند تا بتوانن وحدت خودتون برای رسیدن به هدف حفظ کنند. جدا شدن و بریدن از کار سیاسی در شهر و کنت در روستاها برای فرازا زوده ها نبود. عمده ای مسلح پیشتر از نبودند. چریک جدا از توده نبودند. خود رفیق بدرستی طرح میکند "خرس که نبودیم به کوه برنیم". آنها برای شرکت در مبارزه ای و واقعی توده ها است که پیشتر از میشونند. در شرایطی که توده ها در مقابل فشار اربابان و قیاده موقت دولت دیگر به ضرورت تجمع سابق به آن شکل هیچ اعتقادی نداشتند.

"در شرایطی که اونها مسلح بودن و مسلحانه اعمال قدرت میکردن سعی میکردن اجازه ندهند که دهقانها فعالیت بکنن و تشکلی داشته باشن و میبایست دهقانها مسلح باشن و با "هدف از بس رفتن از شهر عبارت بود از کار سیاسی - تشکیلاتی در میان مردم. در اینجا است که اختلاف می چریکی و مثنوی توده ای - انقلابی در براتیک مبارزات توده ها با شرکت خود توده ها بصورت مشخص شروع میشود". گروه پیشمرگه مسلحانه در روستا ها گشت زده و به کار سیاسی، با لایردن آگاهی سیاسی دهقانان و متشکل نمودن آنان می پردازند. بعلا و وضعیت منطقه و جان گرفتن مجدد مالکان، دهقانها "از لاج مالکها نظا هربه هوا داری شاه میکردن" رفیق روشنگر - انه و از با لایه توده ها بر خورد نمی کند... میبایست ضرورتا میبایست با آن وضع مبارزه بکنیم و دهقانها روقانع بکنیم که شاه خوب نبود و اگر وضع تازه وضع خوبی نیست دلیل نمیشود که فکر کنیم اون بهتر بود". آنها دستا وردهای انقلاب را (که هر چند ناقص ولی برای گسترش مبارزات سود مند بود) - برای مردم بیان میکنند. ضرورت تشکیل شورای انقلابی ده و اتحادیه های دهقانی و نقش سلاح را در عقب نشان دادن دشمن به توده های دهقان توضیح میدهند. در تولید دهقانان شرکت میکنند، به مذهب و رسوم آنان احترام می گذارند و حتی در تجمع ها گناه ملای آبا دی را نیز دعوت میکنند. دهقانان "اتحادیه"

برداشته و تجاری که رفیق در این گفتگوا ارائه می دهد، یک مورد نمونه و از انگیزش توده ای یک انقلابی کمونیست و مبارز استین آرمان توده های زحمتکش است، تجاری که دستاورد شرکت مستقیم در مبارزات طبقاتی و پیوند دادن تئوری انقلابی با مبارزات جاری و روزمره توده ها است. هر چند جزوه مزبور بدلیل شکل ایجادش (که ما حاصل گفتگویی با رفیق است) نمیتواند یک بررسی جامع در زمینه مسائل مورد بحث باشد، ولی طرح مادیانه و زنده مسائل مهمی را در ارتباط با کار توده ای رفیق فواد و رفقای وی در میان دهقانان مریوان در بر دارد.

★ ★ ★

مالکان که تا آخرین لحظه های عمر رژیم شاه طرفدار سرسخت وی بودند وقتی فهمیدند که شاه رفتنی است تغییر جهت دادند و برای تامین منافع طبقاتی خود از خمینی پشتیبانی کردند. آنها شروع به تشکلی و مسلح نمودن خود و هجوم به دهقانان نمودند. در مقابل دهقانان برای دفاع مشترک در برابر مالکین یکمک روشنفکران انقلابی که از مدتی پیش از خواستهای دهقانان حمایت و در مبارزه - تا ن شرکت می جستند، اتحادیه دهقانی تشکیل می - دهند و مسلح میشوند. مالکان و نیروهای پشتیبان آنان، قیاده موقت و مفتی زاده، شروع به حمله و خلع سلاح دهقانان میکنند. دهقانان که هنوز فاقد تشکلی و آگاهی لازم هستند در مواردی خلع سلاح و مرعوب می گردند. جلسه اتحادیه دهقانان که در برابر هجوم دشمن دچار ضربه شده و تشکلی و روحیه اش آسیب دیده بدون شرکت نمایندگان تمام دهاتی که عضو بودند تشکیل میشود و تصمیم به مقاومت و تشکیل دستجات پیشمرگه می گیرد. اولین گروه پیشمرگه با شرکت رفیق فواد بعد از ۷، ۸ روزها هیماشی تصمیم می - گیرد که گشت در روستاها را شروع کند.

از نظر رفیق فواد "ادامه کار سیاسی بصورت قبلی و علنی امکان نداشت". وضع تغییر کرده بود "قیاده موقت و مالکان هجوم آورده بودند و میکوشیدند خفقان قبلی را به نرزدن تحمیل نمایند. ولی - اما دگی مردم بیشتر شده بود". "در شرایطی که اونها

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

حاکم شرع اصفهان و حکم قرون وسطایی اش

حاکم شرع اصفهان حکم جدایی همسر یک کارگر را (بدون طلاق) بخواستار عقاید سیاسی آن کارگر صادر کرد!

بنکه توشبیا - سما ورنفتی - پلوپیزیقی ، دودست رخت - خواب کامل - سرویس پلوخوری و خورش خوری چینی (۴ سری) سرویس چای بخوری چینی (۲ سری) - مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال بول نقد که در کوشی کمبود و مقدار زیادی وسایل دیگر که در آن وقت شما را منگبید و حتی لباسها هم را در مقابل مهریه آن دختر که بدون اجازت من و با حکم حاکم شرع طلاق داده شده بود گرفتند و عصر همان روز در حدود ۱۰ نفر از مردان آن دهه حکم حاکم شرع با چوب و زنجیر مرا بجرم کمونیست بودن به با دکتک گرفتند و آن ده بیروشم کردند که فتوکپی معاینه پزشکی قانونی ضمیمه نامه میباید را بنکه در اول جوانیم این حامیان مستضعفین و حامی کارگران زندگیم را بنا بود کرده و با عمل فاشیستی خود به نا بودیم کشتند و آن رفقای رزمنده و حامی واقعی زحمتکشان شما طرا بنکه هیچگونه قانونی در این مملکت حکمفرما نیست تقاضا مند من با چاپ نامه های کارهای خلاف قانون و غیر انسانی این حاکمان کور - دل شرع را افشا کرده و مرا هم که بیخاطر خواندن روزنامه آن سازمان محکوم کرده اند تسکینی داده اند. قبلا از لطف شما سپاسگزارم .

با تقدیم احترامات - علی مادقی
رونوشت به روزنامه های :
کار ، پیکار ، برآه کارگر

اصفهان (درجه ۵۸/۸/۲۴) بخاطر آنکه در آنجا ساکن شده و با مقدار ریس اندازی که نیرایم مانده بود معاف از الکتر - یکی با زکرده مرا مراعات کشید با دختر یکی از خانواده های آن ده ازدواج کردم بعد از ۲۷ روز زندگی زنا شویی (تا ریح ازدواج ۵۸/۸/۲۴ و طلاق ۵۸/۹/۲۱) بدستمال شکار بستی که از طرف خانواده همسرم بخاطر داشتن کتاب و روزنامه مرا برهنه بود مرا به سیاه پاداران درجه - با زارتوابع اصفهان برده پس از با زجوشی کوتاهی که از طرف حاکم شرع آنجا بنا میسد محمد علی موسوی در - جای که فرمانده سیاه پاداران آنجا نیز میباید شد بعمل آمد حمله فاشیستی به خانه ما را شروع کردند و پس از آنکه تمام وسایل زندگیم را درهم ریختند مقدار زیادی روزنامه کار، پیکار، روره کارگر و تعدادی کتاب که هم اسلامی و کمونیستی بود با خود به سیاه پاداران بردند و مرا هم مدت ۷ روز در با زندان نگاهداشتند بعد از این مدت بطور موقت آزادم کردند و دوبه دفتر تمام رفتم و نامه های از آنجا برای دادگاه انقلاب اصفهان گرفتم که فتوکپی آن ضمیمه میباید اصفهان مراجعه لذا با هم مرابیش همان حاکم شرع سید محمد علی موسوی درجه ای که در ریش ۲ دادگاه هم کار میکند فرستادند و ایشان با فتوای خود سنده را کمونیست تشخیص داده با کمال نا حواسم ردی و وفات دستور توقیف اموال مرا که حاصل یک عمر کارگریم بود داده حکم جدایی ما را صادر کردند و شما وسایل خانه ما را از قبیل فرش بافت تیریز - کمده چوبی - بیخجال جنرال استیل - اجاق گاز -

با مهر سر را رفیق کارگری به بیگانه رنوشه که ارتجاع حاکم به "حرم" داشتن کتابها و روزنامه های مترقی و انقلابی همسرش را از او جدا کرده و کاشانه اش را منقلاتی نموده است . از آنجا که ما هم مذکور سیاه پاداران کهنکسی و بوسیدگی و عمو ارتجاع حاکم است . ما آنرا همراه با سندی که نشان دهنده اقدام دفرما ما است منتشر می کنیم .

گرامی روزنامه پیکار
با عرض سلام و ارا دستمندی خالصانه سلامتی و کامیابی و موفقیت روز افزون رزمندگان راستین طرفدار زکا زکا کارمان پیکار را از رومند و از اینکه در راه احاد راه سووردنکی نوس برای نسل جوان بشر رسد و استفاده ادو با چاپ و ترجمه کتابهای زهرمان برک نرولیا را و رهنمودهای خود که بدون هیچگونه نوع و با عمو نخلق میباید نامه را رسد خواندن از خود شرح رها نشی ایند آسده اند و اروا رسد قدم میباید نند و بنای سیاسی را دارم با اینکه سندها در این مونیست خاص در کس مسائل انقلاب و بوده های سیم کسده همسند منخوا هم چند لحظه ای از وقت تیریزان را گرفته و مسائلی را که زندگیم را به نایب بودی کتابه نامه ما در زمان گذارم ، اینجاست غنی مادنی که مدتی کارم و رسم سکارم بعد از این که از همه جا برای کار را سیدم در یکی از دهها ب

با صد دفرما ما بعد دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان

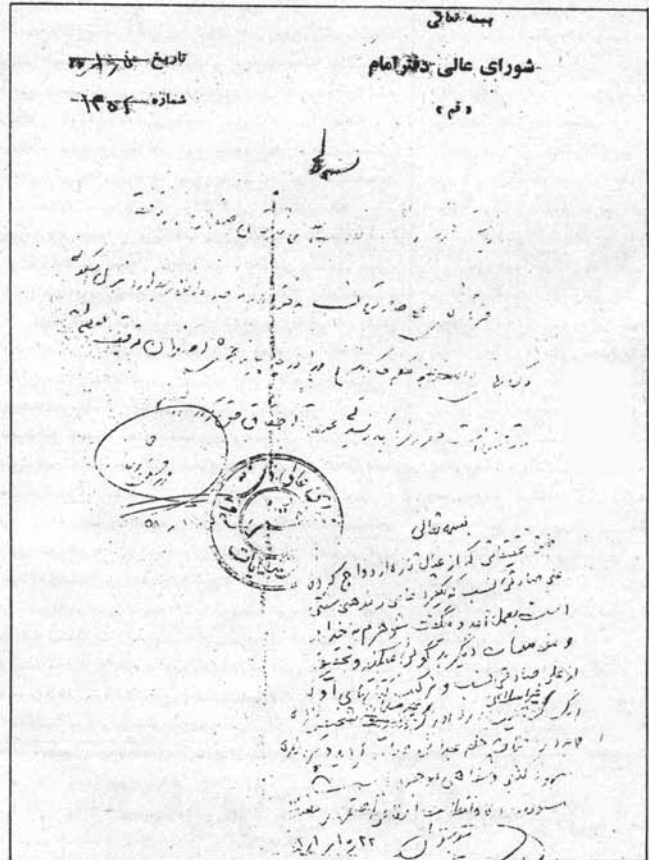
بسمه تعالی
ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان اصفهان
داده نویسه
محترم آقای علی مادقی نسبت بدفتر ما م مراجع و اظهار مدارد منزل مکونی و کتابهای او را با حکم حاکم شرع در وجه بیمار بختر اصفهان نویسه نموده اند .
معنی است مقرر فرما شد رسیدگی نموده تا احقاق حق گردد . والسلام .

امضاء
۵۸/۱۰/۵

باسع حاکم شرع !

بسمه تعالی
طبق تحقیقاتی که از اعمال تازه ازدواج کرده علی مادقی نسبت که یک مرد عامی و مذهبی سنتی است بعمل آمد وی گفت شوهرم به خدا و مقدسات دیگر بدگوشی می کند و تحقیق از علی مادقی نسبت و سرکشی کتابهای او که رنگ غیر اسلامی دارد ، او را غیر مسلمان تشخیص داده و بدون طلاق حکم جدایی صادر کردند و برهنه و شهوت کنی و تنهایی موجود است .

مستول دادگاه انقلاب اسلامی
مستول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان
شعبه ۲
موسوی - ۵۸/۱۰/۲۲



واقعا که این شیخ آمریکائی از طرف حامیان امپریالیسم در ایران که دولت و شورای انقلاب را قبضه کرده اند سخن میگوید. سرسپردگان و سورزوا - لیبرالهای ایرانی نیز درست همین فکرا میکنند. آنها نیز گروگان گیری را گذرا میدانند، بهمین دلیل است که حتی حاضر شدند صدور تفت به آمریکا را قطع کنند تا چهار سده قطع روابط با امپریالیسم آمریکا که خواست خلق و تمامی نیروهای انقلابی است.

از دیگر سخنان اینان در سربا مه های تلویزیونی خود، مقداری بدگویی از شاه است و کوشش برای جانداختن این موضوع در ذهن مردم که رابطه ایران و آمریکا نامکستی است. این آقایان هم -

"من در مذاکرات با کارتر تراجیع به گروگانها چنین و چنان گفتم ...!"
یعنی ایشان قبل از مافرت به ایران آقای کارتر را دیده و صحبت کرده و دستورات العمل های لازم را گرفته است.

معرف و دوستیان ایرانی این جاسوسان کیست؟!

اینها که گفتیم یک طرف قضیه است اما آیا به عقل جور در می آید که بگوئیم این آقایان ما موربه همین سادگی از آسوی کره زمین بلند میشوند و به ایران می آیند و صاف و ساده از تلویزیون و منزل قدرتمندان سرد می آورند؟! آیا ...

پرفسورهای "مسلمان" یا مأمورین سیا!

● پرفسور "حامد الگار" دوست آقای یزدی برای چه به ایران می آید!؟

چنین کوشش میکنند که بگویند در آمریکا اسلام چه وضع خوبی دارد و حکومت آمریکا چگونه مسلمانان را مورد حمایت خود قرار میدهد و بدین ترتیب ایجا دخواست - بینی نسبت به آمریکا ...
اما محوردیگر برنا مه این ما مورین آمریکا - شی تماس با ما احیان قدرت و بخصوص آیت الله خمینی است. اینها در این کار نیز موفق هستند اگر کندی و یا وزیر امور خارجه آمریکا نمیتوانند با به قسیم بگذرانند، در عوض اینها براحتی میتوانند در این - جا نیز هدف آزا دکردن گروگانها و تبلیغات غیر - مستقیم بنفع آمریکا است.

شلیزینگ: حمایت از الله!

از زمانی که شلیزینگ وزیر انرژی کنونی آقای کارتر وزیر دفاع و فرمانروای نا تین "پنتاگون" گفت:

"بهترین راه برای ما اینست که منافع آمریکا در خاور میانه حمایت از الله است!"

خیلی نمی گذرد و زمان جاسوسی آمریکا به کمک دوستان و سرسپردگان ایرانی زود و خوب توانسته است این برنا مه را به اجرا در آورد. راه افتادن پرفسورها و مسلمانان آمریکا شی به ایران پس از اشغال سفارت و گروگان گیری جاسو - سان آمریکا شی، جزئی از همین برنا مه حمایت از "الله" و حمایت از "اسلام" کاخ سفید نشینان و اداره جاسوسی (سی ای) آمریکا است. این برنا مه حمایت از الله و اسلام امروز بطور جدی از جانب امپریالیسم آمریکا دنبال میشود، گزارشات و آنچه نشان میدهد که در روز ۱۴ دسامبر (برابر با ۲۳ آذر) در "شورای امنیت ملی آمریکا" (بالاترین مرجعی که در آمریکا مسائل مربوط به امنیت آمریکا را در سطح جهان مورد بررسی قرار میدهد) طرحی بتصویب رسیده که هدف آن تبلیغات اسلامی است و راه رسیدن بقیه در صفحه ۱۲

آیا معقول است که آیت الله خمینی بدون معرفی شدن این ما مورین، بعنوان اسلام شناس و مسلمان ... از طریق نزدیکان خود، آنها را در خانه اش بپذیرد؟ مسلماً جواب منفی است. اما پیدا کردن دوستان این آقایان (ما مورین) در ایران زیاد مشکل نیست. سراغ یکی از آنها می رویم. یکی از این پرفسورهای مسلمان، بنام "پرفسور حامد الگار" (که اصلاً انگلیسی است و ساکن آمریکا و مترجم برخی آثار اسلامی) از دوستان و نزدیکان آقای یزدی است! که سالیان دراز در آمریکا با آقای یزدی دم خور بوده است. شغل شریف این پرفسور جاسوسی برای "سیا" میباشد! و بخاطر همین دوستی نزدیک با آقای یزدی است که ایسن پرفسور امکان می یابد پیش امام برود و با او مصاحبه بلندپایه لائی بنماید، و در تلویزیون ظاهر میشود و بدین ترتیب برنا مه های خود را به اجرا در می آورد. آری به هرکت دلالی آقای یزدی و ما مثله ام این جاسوسان آمریکائی امکان می یابند از تلویزیونی که بقول مسئولینش دقیقه ای هزار تومان برای مردم ایران خرج بر میدارد، رسا و صفا صحبت کنند، و این درحالیست که زحمتکشان و نیروهای انقلابی ما اصلاً چنین حقی ندارند!

نگاهی به برنامه های این جاسوسان

اما برنا مه های تلویزیونی این آقایان ما مور، اغلب شبیه هم است: اول تعریف و تمجید از "انقلاب اسلامی" ایران و آیت الله خمینی و بدین ترتیب فریب تما شچیان و شنوندگان نا آگاه و حوا - کردن این مسئله در ذهن مردم که ما حوا می "انقلاب" شما شیم.
منظور آقای شیخ محمدباقر شری از جنبه منفی و گذرا همان گروگان گیری است. و در واقع اینطور تبلیغ میکند، که ای مردم ایران هر چند این کار کمی ایراد داشته است ولی عیب ندارد، "گذرا است"!

پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران و گروگان گیری ما مورین لانه جاسوسی، هفته ای نیست که مردم ایران شاهد آمد و شد های "مسلمانان" آمریکا - شی به ایران نباشند. این مسلمانان که محقق و استاد و اسلام شناس ... معرفی میشوند از سفارتان حکومت دیدن میکنند، در صفحه تلویزیون ظاهر می - شوند و با دقت تمام برنا مه مورد نظرشان را با جرا در می آورند. چرا پای اینان به ایران باز شده است؟ درک این موضوع زیاد مشکل نیست. امپریالیسم آمریکا در کنارسیاست های رسمی خود و تهدیدها و اقدامات عملی دیگر در رابطه با آزاد ساختن گروگانها - آنها، تلاش های غیر رسمی دیگری را نیز بصورت تبلیغات غیر مستقیم بنفع آمریکا و بسازش کشاندن قدرتمندان حاکم در ایران بعمل می آورد.
مصداق بهترین کمانی که میتواند چینی - نقشی را بازی کند آقایان بظا هر پرفسورها و محققین آمریکائی در رشته اسلام و "مسلمانهای" سرشناس آمریکا شی هستند.

"ابتکار" شخصی یا ابتکار سیا!

این آقایان تلاش میکنند که این رفت و آمدها را اتفاقی و از موضع ابتکار شخصی قلمداد کنند. ولی بسندگان آگاه و هو شیا ر تلویزیون بخوبی میتوانند دریا بند که چنین نیست، بطور مثال در یکی از مصاحبه های قبلی (چند هفته پیش) در تلویزیون با چندتن از این آقایان پرفسور و مسلمان آمریکا شی کا شف بعمل آمده که در ۱۴ از این آقایان از یک گوشه آمریکا بزرگ ۲۵۰ میلیون نفری هستند و عجیب این بود که اینان چگونه و چگونه هم دیگر را گیر آورده اند. بهمین خاطر وقتی خبرنگار با هوش تلو - بیزیون از آنها پرسید که چگونه هم دیگر را می شناسند و چگونه به آنها هم به ایران آمده اند سخنگوی ایسن آقایان ما مور چنین گفت:

"ما هنگام دعا برای گروگانها در زیر محسمه آزادی هم دیگر را پیدا کردیم و تصمیم گرفتیم به ایران برگردیم!"

اما آیا واقعیت بهمین سادگی است و شونده های آگاه ما به چنین با وهائی با وردارند؟ هرگز! در واقع اگر ادعای دروغ این آقایان جاسوس را به زبان بشری! و خودمانی ترجمه کنیم باید بجای آنها بگوئیم که: ما کنفرانسی (همان مجلس دعا است!) تشکیل دادیم تا نسبت به راهلهای مختلف آزادی گروگانها، بهبود بخشیدن به روابط دولت ایران و دولت آمریکا، که تحت تاثیر مبارزه خلق دچار تیرگی و بلبشوشی شده است، خوشبین کردن مردم ایران نسبت به آمریکا، بدست آوردن دل قدرتمندان حاکم در ایران و تبلیغات غیر مستقیم بنفع آمریکا ... آری نسبت به اینگونه مسائل صحبت کنیم. در نتیجه قرار شد ما مور اجرای این برنا مه با شیم و بلافاصله راهی ایران شدیم ... به سخن یکی دیگر از این قبیل جاسوسان مسلمان ریش دار (البته این یکی عبا و عمامه هم دارد) گوش میدهم آقای شیخ محمد شری رهبر شیعیان آمریکا شکارا می گوید:

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

غدهار صفحه ۱ امروز دفاع ...

دسکاه عمنا انحرافی این رفقا را در قبال کودتای اجبار افغانسان در چند روزه منتهی نمودند. ترار مندمه :

۱- رفقای فدائی تجاوز و کودتای امیربا - لستی را "حمایت" و در جهت منافع مردم قلمداد میکنند.

سوسال امیربا لستم شوروی بمنظور غارت و جباول سخرافغانسان، بمنظور سرکوب و خنثی کردن خلق ستمکشیده افغان و در رقابت با امیربا لستم آمریکا بمنظور تحکیم موقعیت خود، از طریق کسبل هزاران مستشار و سرباز مسلح خود به یک کودتای محدود امیربا لستی دست زده و با نامرد و روریزیو - نسبی جدیدی را بر اساس قدرت می نشانند. آنها جم نظامی آمریکا و مستقیم شوروی در افغانستان مسن دو امر اساسی است: یکی، رشد خصمه توسعه طلبی شوروی و سایر کبری رژیم سرازهای نوین در تجاوز غربان نسبت به سایر ملل و دیگری رقابت روز افزون سن دو قدرت امیربا لستی آمریکا و سوسال - امیربا لستی شوروی بمنظور کسب هژمونی (سرکردگی) در عرصه جهانی.

امروزه در عرصه کنش و رقابت امیربا لستی، سارده آمریکا و شوروی جا که خاص را اشغال می - نماید سارزه ای که هدف سرکردگی بر جهان را سعیت میکند. سندر فاشیای تسلط جانی، ارسال بسا رسلخهای جنکی به کشورهای تحت سلطه، استنرا زاری و واکنشهای جنکی در ارضی نقاط دنیا سار و سارزمینهای دیگران، ایجاد جنکهای محلی انجام کودتا و غیره، اشکال کونا کون این رقابت و سار زده در عرصه سیاسی - نظامی میباشد.

برای امیربا لستم آمریکا و سوسال امیربا - لستم شوروی، منطقه خاور میانه و خلیج فارس بواسطه سوسا و مناسط طبیعی و سوسه نفت و نیز موقعیت استراتژیکی آن، یکی از نقاط پراهمیت، حساس و جنجا مورد جدال و کشمکش جهانی است. با توجه به اینکه ۶۰٪ ارتعاب اروپا و ۹۰٪ ارتعاب ژاپن از این منطقه ساس مسس مکروه، زیر سلطه داشتن این منطقه استراتژیکی و کلیدی عامل سار برزگی در راه ساس سرکردگی جهانی بشمار می آید.

در این منطقه امیربا لستم آمریکا دارای نفوذ سار ساریادی میباشد، با بگاها عظیم نظامی در جزیره "دیگوگارسیا" در اقیانوس هند، با بگاهاهایی نظامی در جزیره "صیره" در عمان و در بحرین، استقرارنا و - های جنکی، سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی در یک سلسله کشورها با رژیمهای سرسپرده و مرتجع چون عربستان سعودی، پاکستان، مصر و سار سار سلل سار و زکار... منحنی کننده حضور آمریکا در این نقطه از جهان میباشد. از جهت دیگر حضور شوروی توسعه - طلب نسبت به داشتن چندین بگاها نظامی از جمله در سس جنوبی سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی در سرخی کشورها چون انبوی، افغانستان، سوریه و غیره منحنی مکروه. بس، از سقوط رژیم مزدور سلطنتی شاه شاه بنس بنوای توده های خلق میهن ما، حاکمیت و سلطه امیربا لستم آمریکا در ایران دستخوش تزلزل میگردد. در این موقعیت رقابت آمریکا و شوروی در جهت گسترش و تحکیم نفوذ خود در منطقه سس از پیش شدت میگردد و هر یک از آنها می - کوشند تا مره ای تا ز به رقیب خود وارد سار زد. در عرصه

چنین کوششها و با توجه به شکست رژیم "امین" در جل مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان که سوسال امیربا لستم شوروی دست به کودتای جدیدی در این کشور میزند، تا بدین وسله موقعیت خویش را تحکیم بخشیده و خود را به خلیج فارس و اقیانوس هند نزدیکتر گرداند.

دسرا بر اساس اقدامات، امیربا لستم آمریکا از خود و اکنش نشان داده و به تجهیز بیشتر خود می - پردازد، سنجوی کها که ارتعاب و ام ۴۰۰ میلیون دلاری به با کنسان جهت گسترش امور نظامی و هسته ای توافق خود را اعلام میکنند. آمریکا دوهوایمی آواکس به مصرا رسال می دارد تا آنها بتوانند با کشتیهای جنکی در خلیج فارس و اقیانوس هند ساس بگیرند.

هستند، به تحقیر توده ها بپردازد، به سار سارولتا ربا و توده ها و شایستگی انقلابی - تاریخی آنها قده لستم کرده اند. چنین کماتنی مارکسیست نیستند و اگر همچون رویزیونیستها ی توده ای شیا دنبا شند، خدمتگزاران بیمقدار بورژوازی بشمار می آیند. امیربا لستم آمریکا تاجا و زخوده و بیتنام را امری برای "دفاع از آزادی و دمکراسی" قلمداد می - کرد و سوسال امیربا لستم شوروی نیز دخا لستی نظامی خود را ما به "بیشترت انقلاب و سوسال لستم" میدانند و رفقای فدائی که میان مارکسیسم و رویزیونیسم در نوسان اند، تاجا و زخوری را "حمایت" نام می گذارند و از این اقدام امیربا لستی دفاع میکنند.

● زمانی که خروشچف خائن همزمان با سارزش با آمریکا به طرح تز "گذارسا لعت آمیز" پرداخت و بارژیم وابسته شاه وارد "مناسبات صلح آمیز و متقابل" گردید، کمیته مرکزی حزب توده به "تائید" "رفرمهای" ارضی "شاه" و "سلطنت شاه" دست زد.

● امروز در عرصه کشاکش و رقابت امیربا لستی، بارزه آمریکا و شوروی جا بگاها خاص را اشغال میکنند، بارزه ای که هدف سرکردگی بر جهان را تعقیب می کند.

● ما از رفقای فدائی سئوال می کنیم که بر اساس کدام اصل مارکسیستی - لنینیستی یک دولت سوسالیستی حق تجاوز و کودتا در کشور دیگر را دارد؟ بر اساس کدام قانون کمونیستی انقلاب را باید صادر کرد؟

لنین می نویسد:

"در حقیقت سوسال شوونیستها از یک سیاست ضد پرولتاریائی بورژوازی پیروی میکنند، زیرا که آنها عا لرا "حق" این یا آن قدرت "بزرگ" در غارت مستعمرات و سرکوبی ملت های دیگر حمایت میکنند، نه از "دفاع از میهن" مفهوم مبارزه علیه ستم نیگانه، سوسال - شوونیستها با رها این فریب بورژوازی زا که جنگ برای حفظ آزادی و موجودیت ملت ها برپا گشته، تکرار میکنند، از این سار و آنها علیه پرولتاریا جان ببورژوازی را میگیرند. (سوسال لستم و جنگ)

رفقای فدائی، شما با موضع کاملا انحرافی خود "حق" شوروی میدانید که تاجا و زوغارت کند و سوسه سرکوب خلقها بپردازد، شما کودتای شوروی را "برای حفظ آزادی و موجودیت ملت ها" قلمداد میکنید، شما به سار سار گیری یک شیروی متجا و زپردا خته و با این اقدام خود عملا به حمایت از بورژوازی شوروی عمل کرده و سار سار گیری علیه پرولتاریا و خلقها موضع گرفته اید.

۲-

رفقای فدائی نیروهای رویزیونیست را "چپ" و "ترقیخواه" ارزیابی می کنند.

لنین در تاره رویزیونیستها می نویسد:

"اینها عا ملین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و سار سارین طبقه سار به داران و مخریان حقیقی رفرمیسم و شوونیسم هستند." (امیربا لستم، بالاترین مرحله سار به داری) (تاکید از ما است).

آیا از دیدگاه پرولتاریا و مارکسیسم - لنینیسم نیروهای رویزیونیست که بقول لنین عاملین واقعی بورژوازی و مخریان حقیقی رفرمیسم هستند را میتوان "احزاب چپ" و "نیروهای ترقیخواه" قلمداد نمود؟ بطور قطع پاسخ منفی است. ولی شاید رفقای فدائی متکرور رویزیونیست بودن با ندهای

آمریکا ۳۰۰ خلبان و مستشار خود را در مضر مستقر ساخته و قرار بر اینست تا رژیم شاهن سادات اجازه دهد تا هواپیما و کشتیهای جنکی آمریکا در صورت لزوم از خاک مرصدست به حمله بزنند. س علاوه طبق قرارداد ترکیه به آمریکا اجازه هدا دنا از ۲۶ پایگاه نظامی استغاده نماید.

بدین ترتیب منافع متفا دا امیربا لستم آمریکا و سوسال امیربا لستم شوروی آتان را به رقابت و رویا روشی بیشتر با یکدیگری کشاند و در این میان هر یک سهم خود میکوشند تا در راه رسیدن به هژمونی، "دشمن را ضعیف نموده، در هژمونی اش خده وارد" آورند. سوسال امیربا لستم روس دبقا بر روال چنین منطقی است که به کودتای امیربا لستی دست میزند.

حال رفقای فدائی، این تاجا و زمستقیم نظامی و کودتا را "حمایت مستقیم اتحاد شوروی" در جهت منافع مردم نام میگدارند. تاجا و زمستقیم در جهت برآورده شدن منافع امیربا لستی با حمایت مستقیم "در جهت خدمت به مردم؟ ما از این رفقا سئوال میکنیم که بر اساس کدام اصل مارکسیستی - لنینیستی یک دولت سوسالیستی حق تجاوز و کودتا در کشور دیگر را دارد؟ بر اساس کدام قانون کمونیستی انقلاب را باید ما در کرد؟! ما رکسیسم - لنینیسم بر علیه شما کواهی میدهد: زیرا اصل اساسی سیاست خارجی یک کشور سوسالیستی انتر - ناسیونالیسم پرولتری یعنی کمک و پشتیبانی سیدریخ مادی و معنوی از انقلاب توده ها میباشد. در صورتیکه ارسال هزاران مستشار و انجام کودتا برای سروری کار آوردن یک یا د رویزیونیستی مزدور انترناسیونالیسم کمونیستی نبوده و بلکه مداخله امیربا لستی است. انقلاب توده ها نتیجه تاجا و زمستقیم مبارزه طبقاتی توده ها است. انقلاب یعنی درهم شکستن قهری دستک لادولتی، یعنی سرکوبی طبقه ارتجاعی و بقدرت رسیدن طبقات با طبقه انقلابی. انقلاب امر خود توده های میلیونی یک سرزمین سار سار زده است. کماتنی که معتقد به صدور انقلاب

ولی ما با تمام قوا با فشار دوجبهه اول و دوم دست می زنیم. زیرا این دوجبهه، دوجبهه امپریالیستی و ارتجاعی بوده و در رقابت با یکدیگر عمل میکنند و هر کدام از این جبهه‌ها برای سهم‌بیشتری از غارت و چپاول مبارزه میکنند.

برژنف این تزارکرمین که همانند ما بر سر امپریالیستها عمل میکند می گوید: "بیدیهی است که هیچگونه مداخله با تجا و وجود نداشته و ندارد (!) ما به افغانستان نوبنیاد، به تقاضای دولت، استقلال کشور در دفاع از استقلال ملی، آزادی و حیثیت کشور خویش در برابر عملیات تجا و زکارتانه و مداخله مسلحانه از خارج کمک می کنیم." (مما جبهه برژنف،

ما رکسیسم - لنینسیم را نادیده گرفته اند! از نقطه نظر لنین رویزیونیستها عاملین و سگان نگهبان بورژوازی هستند. ولی از نقطه نظر رفقای فدائی رویزیونیستها ی خدا انقلابی "چپ" و "ترقی - خواه" بحساب می آید. این سیاست بیفک چیست؟ سیاستی که نه افشا کننده رویزیونیسم بلکه مشاطه گر آن است، سیاستی انحرافی و خدمتگزار و تقویت کننده رویزیونیسم و بورژوازی می باشد. سیاستی که در عصر امپریالیسم رویزیونیسم، این جریان را بدشو- لوزیکی بورژوازی را "ترقی خواه" بشمار می آورد، سیاستی است که علیه پرولتاریا و مارکسیسم - لنینسیم سنگر گرفته است.

● رفقای فدائی! علی‌رغم گفتار تحریف آمیز شما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد: **اول** جبهه سوسیال امپریالیسم و پاندهای وابسته بدان نظیر "ببرک کارمل" **دوم**، جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای مذهبی مرتجع رویزیونیست های خائن چین و رژیم مزدور پاکستان و **سوم** جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی. **ما** همچون شما نه طرفدار جبهه اول، بلکه طرفدار جبهه سوم هستیم.

● ما از رفقای فدائی سئوال می کنیم که چگونه رویزیونیست های "خلق" و "پرچم" که با ظاهرا شاه سازش کرده بودند و "ببرک کارمل" مزدور که معتقد بود "ظاهر شاه" مترقیترین شاه آسیا است! و پس از بقدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲ هزار نفر زندانی سیاسی کشته شده اند، "چپ" و مترقی نامیده میشوند؟ و چگونه عمل سوسیال امپریالیسم روسیه که "ترهکی" و "امین" را صلح کرده است، از نظر آنان محکوم نیست و سلطه جویانه تلقی نمی شود؟

مندرجه در "مردم"، ۲۴ دیماه ۵۸. برژنف در پی آنست تا شوروی تجا و زکارتا بدروغ منجی بشریت جا بزند و بدین طریق هر تجا و زوجه را موجه جلوه دهد. و رفقای فدائی بدینا لوری از رویزیونیستها ی خائن کمیته مرکزی حزب توده، گرچه بطور خجولانه، به تائیدتها هم‌شوری و نوکران بومی کودتاچی اومی پیدا زنده تزاران جدید را به منادبان صلح و بیبا اموران سوسیالیسم میزنند و می نویسند: "انحاد شوروی... دفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردمی عمل می کند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند." (مقاله کار شماره ۴۰)

رفقای فدائی بجای افشای ما هیت تجا و زکارتانه شوروی، همه توده های افغان را "بله" و "نا آگاه" بشمار آورده و خواسته با ناخواسته به فریب توده های بردارزند. رفقای فدائی بجای افشای حکومت مزدور "ببرک کارمل"، آنرا مدافع منافع مردم به حساب می آورند! ما سئوال می کنیم مگر همین باند های رویزیونیستی "خلق" و "پرچم" نبودند که به سازش با ظاهرها و پاندها سابق افغانستان پرداخته و در برابرلمان نا هشتا به به فریب خلق مشغول بودند؟ مگر همین "ببرک کارمل" مزدور نبود که معتقد نبود ظاهرها "مترقی ترین شاه آسیا" است؟! (آیا شاه مترقی هم داریم؟! مگر همین "ببرک کارمل" سرسپرده نبود که پس از به قدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲ هزار زندانی سیاسی کشته شدند؟ و مگر همین سوسیال امپریالیسم روسیه نبود که رژیمهای وابسته "ترهکی" و "امین" را صلح می نمود تا آنان به کشتار خلق بپردازند؟

رفقای فدائی! تشدیدگرا بش رویزیونیستی در بقیه در صفحه ۴

● رفقای فدائی فقط صحبت از دنیویری متخاصم در افغانستان می کنند: یکی "نیروهای ترقی خواه" چون "پرچم" و "خلق" و دیگری فتوادها و عوامل امپریالیسم آمریکا.

رفقای فدائی برای اینکه دفاع شرمگینانه خود را از دخالت سوسیال امپریالیسم شوروی موجه جلوه دهند، فقط از دو قطب فوق صحبت میکنند و نیروهای کمونیست و انقلابی که به محکوم نمودن آنها هم شوری می بردا زند را جا انداز خوانین و آمریکا قلمداد می کنند. رفقای فدائی علی‌رغم گفتار تحریف آمیز و بدیدمانیکی شما، واقعیت مبارزه طبقاتی را نمی توان کتمان کرد. بنظر ما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد. اول - جبهه سوسیال امپریالیسم شوروی و پاندهای مرتجع و جا سومان وابسته بدان و در این میان رژیم "ببرک کارمل" که برخلاف گفتار شما بهیچوجه "در جهت منافع توده مردمی عمل" نمی کند. دوم - جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای فتوادال مذهبی مرتجع (که متاسفانه توده های از دهقانان نا آگاه را بدینا بال خود دارند) و مجموعه نیروهای ارتجاعی بین المللی که از آنان حمایت می کنند، همچون رویزیونیستها ی خائن حاکم بر حزب و دولت چین رژیم مزدور پاکستان و سوم - جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی.

ما مدافع و پشتیبان جبهه سوم هستیم زیرا جبهه جنبش و انقلاب است. زیرا علیه هرگونه ستم و اسارت امپریالیستی و برای آزادی واقعی مبارزه میکند. امروز نیروهای انقلابی و کمونیستی افغانستان ضعیف هستند ولیکن ضعف کمی آنها بهیچوجه نفی کننده حقیقت تاریخی و انقلابی آنان و نتیجتاً انجام وظیفه نترسان سونالیستی کمونیستها ی جهان درقبال آنان نمی تواند باشد.

"پرچم" و "خلق" گردند. لیکن مسئله آنقدر روشن است که انکارنا پذیر است، زیرا حتی خود رفقا در برخورد با آنها صحبت از نیرو علمی میکنند که به "توده های وسیع دهقانان و محنتکشانگانداشته و درطول حیات سیاسی خود پیش از آنکه به نفوذ در توده های دهقان افغان اندیشیده باشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و تسخیر قدرت از طریق کودتا می اندیشیده است" (سر - مقاله کار شماره ۴۰)

این مدعیان مارکسیسم - لنینسیم و مدافع توده ها که پیوسته به کسب قدرت نه از طریق انقلاب قهرآمیز توده ها، بلکه از طریق نفوذ در دولت و انجام کودتا در بالا اندیشیده اند، آنانکه به راه پارلمان و عنایت "بالایی"ها چشم دوخته و به پرولتاریا و توده ها اعتماد ندارند، جزمیان "مجریان حقیقی فرمیسیم" یعنی رویزیونیستها میباشند؟ ما از رفقای فدائی سئوال میکنیم چه فرقی هست بین رویزیونیستها ی توده ای و احزاب پرچم و خلق؟ قبل از پیدایش شوروی شما به یک قدرت سوسیال - امپریالیستی، رویزیونیستها بر اساس ما هیئت سازگانان و تسلیم طلبانه خود می کوشیدند تا راه پارلمان را راه پیروزی قلمداد کرده، توده ها را فریب داده و سلطه بورژوازی را تداوم بخشند. ولی از هنگامیکه شوروی حمله امپریالیستی پیدا کرده و به تهاجم مستقیم دست زده است، علاوه بر اینکه میکوشد تا تزارویزیونیستی "گزار صلح آمیز" را تبلیغ کرده و در جنبش ها نفوذ نموده و آنها را به انحراف بکشد، اما فاشر آن با آنکه به رویزیونیست های مزدور و سرپرستان بومیش با رها و بارها به تجا و کودتا نیز دست زده است. در واقع احزاب وابسته به شوروی با توجه به موقعیت خود سیاست و منافع سوسیال امپریالیسم روسیه در هر مقطع، حرکت خود را تنظیم می نمایند.

زمانی که خروخوف خائن همزمان با سازش با آمریکا به طرح "ترگزار صلح آمیز" پرداخت و با رژیم وابسته تها وارد "مناسبات صلح آمیز و متقابل" گردید، کمیته مرکزی حزب توده به تائید "رفریمهای ارضی" تها و "سلطنت شاه" دست زده و خواستار آزادی فعالیت علنی می شود و زمانی که مبارزات توده ها در میهن ما بیش از پیش رشد یافته و با اوج و اعتدالی انقلابی روبروست و در عرصه بین المللی نیز بین شوروی و آمریکا رقابت شدت یافته و بدین لحاظ شوروی با رژیم شاه آمریکا شی کج افتاد، کمیته مرکزی حزب توده به طرح تزارتجاعی "جبهه ضد دیکتاتور" "با شرکت جناح دوراندیش هیئت حاکمه" اقدام کرده و از "ضربت مسلحانه ناگهانی" ویا کودتا صحبت می کند.

این قانومندی حرکت احزاب رویزیونیست و سرسپرده شوروی است. سیاست آنها بر مبنای منافع و منافع توسعه طلبانه شوروی می چرخد و حرکت باند های رویزیونیستی "پرچم" و "خلق" از این قاعده مستثنی نبوده و نمی باشد. این باند ها از دیرباز از نگهبانان منافع سوسیال امپریالیسم شوروی بوده و فرستگها فرستگها بطور کیفی با احزاب و نیروهای راستین مارکسیست - لنینست و انقلابی فاشلیه دارند. آنان مانند حزب توده در حرف تنها دانسته از مارکسیسم سخن می گویند، ولی در عمل عاملین اجرای سیاست شوروی می باشند، حال رفقای فدائی به این باند های رویزیونیستی - انتقاد دوستانه "می کنند که چرا" آموزش های انقلابی

بقیه از صفحه ۶ سپاه زرکاری ...

روابط این دارودسته با همه جدی نبودند بود که بین آنها هدایای مخصوص ردوبدل میشد. رهبردیگر آنها شیخ صالح، عباس و خوشگذران با پول ناشی از دسترنج مردم زحمتکش کردستان و کاهای ترکمن صحرا که بمشاوران هدایا به بارگاه آنها داده میشد به عیش و نوش پرداخت می کردند. آنها به این اکتفا هرزه ها می شناسد و از مزاج میگرد. آنها به این اکتفا نگردیدند که گستاخی را جدی میسرانیدند که از مریدانشان هدایای انسانی می گرفتند. آنها حنا بتکاری هستند که از جاذبه ها موس مردم دزدی، غارتگری اموال عمومی، جاسوسی، خود فروشی، فحشا و انواع هرزگی بدطولانی دارند. آنها کاخ حکومت را از راه سبکداری مردم زحمتکش و پولهای که از راه واک دریافت می کردند دستا نمودند. این حنا بتکاران در هنگام قیام مردم ایران از ترس انشعاب خود را به دامن ستمپنهای عراق انداختند و اکنون که جنبش مقاومت خلق کردستان خود را به اثبات رسانیده است و در سطح بین المللی جای مشخص خود را یافته است، حکومت بعث عراق به تکاپو افتاده و برای سکا اندازی در راه این جنبش مهره های خود را یکی پس از دیگری بکار انداخته و این دارودسته خود فروش را در کردستان ایران علم کرده است. با آرایش طریق به خیال خود جنبش خلق کردستان را سر راه همسکانند و هم در کل جنبش را به بخش خلق های ایران اخلال کند. حکومت یعنی با دادن پول و اسلحه به چنین دارودسته ای افکار پلید خود را مسخو هدیه دهد کند. تا هر زمان که بخواد دستواند از وجود آنها آن خنجرها آگین را در جنبش خلق کردستان سرد و کینه در حالیکه حکومت بعث در کردستان عراق کمر بندی در مرزهای خود با سوریه و ترکیه و ایران به پهنای ۳۰ کیلومتر را به سرزمین سوخته تبدیل کرده و در حالیکه هزارها نفر از زمین کردستان عراق را در زیر شکنجه اعدام کرده است و حتی قطعه قطعه نموده و پیش از نیم میلیون مردم آنجا را کوچانیده و در حدود ۱۳۰۰ هزار با خاک یکسان نموده چگونه میخواهد از حقوق خلق کردستان دفاع نماید؟

انقلابیون کرد و خلقهای دیگر ایران به بسیاری توده های زحمتکش بوزده این جنایتکاران را بر زمین خوار و مالد و دیگر رهبران جنایتکاران را سرکشی نخواهند توانست توطئه ها شان را نکل بدهند. زیرا آنها با فخر انقلابی خلق کرده عمیقاً از پشتیبانی خلقهای ایران برخوردار هستند، روبرو میباشند و آنها را برای نومی با در بدر و آوارها خواهیم یافت. با راول بطلت خدمت به فیصل پادشاه نوکرا میرالیم انگلیس در برابر انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۵۸ که در نتیجه به ایران گریخته به دامن ساواک پناهنده شدند. با ردم با فخر انقلابی توده های مردم ایران روبرو گشتند و به جرم خدمت به خاندان جنایتکار ربهلوی بدامن آریا بان بعضی - شان فرار کردند و این با ربا زیا طبقان انقلابی خلق زمین کرده در کردستان ایران و با فخر انقلابی پیشمرگان خلق روبرو هستند که راه فرار نیز نخواهند داشت و عاقبت به دام خواهند افتاد. اکنون نمونه -

های از جنایات عده ای از رهبران این دارودسته را برمی شماریم .
در سالهای ۴۳ و ۴۵ یکی از این رهبران زمین ها و باغات مردم زحمتکش قریه "نوسین" واقع در "هورامان" را غصب کرده و با سند جعلی همان زمینها را به ما حیان آنها اجازه داده است. همین شخص در جریان کودتای ۲۸ مرداد نقش موثر داشت و یکی از باران وفادار شده بوده است. با زمین شخص ویکی از سیرانش دریا شیز سال ۵۸ بزور اسلحه از مردم زحمتکش نوسین بهره مالکانه گرفته اند. مبارزه مردم زحمتکش نوسین همواره علیه این ظالمان جنایتکاران ادامه داشته است و همواره ساواک و زانداران مری از این جنایات پشتیبانی کرده اند، حتی در این راه شهید ملا مین حیدری که توسط شیخ بزندان افتاده شهید گردیده است .
یکی دیگر از رهبران آنها در زمان شاه عضومجلس شورای ملی بود. ۲ نفر دیگر کارمندان رادیو - تلویزیون و ما مورسا واک ، در زمان شاه جلد این دارودسته همواره در تمام ابعاد دوجنشی تا هائهن بصورت فعال شرکت کرده ، مردم را نیز در این راه فریب می دادند. افراد مسلح این سپاه هم اکنون از چنده ، بزور اسلحه و پول دریافت کرده اند. در قریه برده رشه مریوان رئیس سپاه شیخ مادی زمینهای دهقانان را بزور غصب کرده است. در قریه سورکسه ول مریوان شیخ محمدی منی نه تنها زمینهای دهقانان را بزور غصب کرده بلکه با رهان موس مردم را مورد تها و ز خود قمار داده است .

بیش از یک ماه و نیم از تشکیل سپاه زرکاری نمی گذرد که حدود هزار تا هزار و دویست (۱۲۰۰) نفر را از مردم ساده و زحمتکش با پول و اسلحه بعث و شاه مسلح نموده اند. مردم ساده ای که با طریقکاری و حتی خوشبختی نسبت به مسئله خود مختاری و حتی عده ای تنها به عشق به دست آوردن اسلحه به آسان روی آورده اند ، و ناگهان آنها به رهبران جنایتکار سپاه زرکاری افتادند. اینها فریب خوردگانی هستند که گاهی تدارک می توان با افشاکاری بیدارشان کرد .
سپاه زرکاری در بین مردم پایگاهی ندارد تنها اتکای آنها به اسلحه و پول عراقی است و تا کنون از چندین ده بیرونشان کرده اند. آنها به دروغ و ربا کارانه خود را دوست نیروهای مترقی معرفی میکنند تا جای پائی بدست آورند و بر عکس در جاها ای که پایگاهی داشته اند علیه این نیروها تبلیغ میکنند. آنها خود را دوست "گومه له" معرفی میکنند تا بدین ترتیب افراد مسلح خود را که اکثرآ از زحمتکش روستا هستند فریب دهند. آنها تا کنون هزاران قبضه اسلحه و صدها هزار دینار عراقی دریافت کرده اند و ما خوب میدانیم که این سیل عظیم پول و اسلحه به ایران تنها میتواند عواقب وخیمی بسیار آورد ، لطافت جبران ناپذیر به جنبش خلقهای ایران وارد آرزو در راه جنبش طبقه کارگر ایران موانع بزرگی ایجاد کند. این دارودسته میتواند در آینده بمشاوران نیز روی سرکوبگر در آید. این مهم نیست که افسار آنها در دست چه کسی باشد ، شاه - آمریکا - بعث عراق و یا جمهوری اسلامی ایران. تنها بر علیه انقلابیون واقعی چه در کردستان و چه در نقاط دیگر

ایران - سنگر مترجمین و پناهاگه مالکین و جاها خواهد بود .
با توجه به چنین اوضاع و احوالی و خطراتیکه وجود چنین نیروهای می تواند برای انقلاب ایران عموماً و جنبش خلق کردستان داشته باشد ، ما زمان (گومه له) تصمیم خلق سلاح این نیروی وابسته به اجنبی را گرفت . برای ازمه پاشیدن تشکیلات سیاسی و نظامی این دارودسته ز همه نیروهای سیاسی مترقی و دمکراتیک و کارگری در کردستان و در سر تا - سرایران میخواهیم ما را از نظریه های و نظامی باری دهند. بخصوص کمکهای سیاسی در افشاکاری چنین نیروهای چه در سطح کردستان و چه در سراسر ایران ما را باری خواهد داد تا هر چه بیشتر و وسیعتر عمل انقلابی خود را توسعه داده و به حیات نیروهای مترجم و وابسته بایان دهم . در این راه دست توانمندی زحمتکشان انقلابی ایران پشت و پناها ما خواهد بود . از خلق ستم دیده کرده میخواهیم ما را کمک کنند تا نگذاریم با دیگر نیروهای بیگانه پیرست با پول و اسلحه خارجی ها برسروشمان حاکم شود و ما زره حق طلبانه ستم دیدگان کرد را به (شاه به تال ((دیگری بدل کنند تنها با اکتفا به نیروی لایزال زحمتکشان میتوان در مبارزه طبقاتی پیروزی واقعی را در آغوش گرفت .

"مرگ بر نوکران بیگانه"
"پیروزی دمابارزات طبقاتی زحمتکشان"

" سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران -
گومه له"
۵۸/۱۱/۹

(۱) - (شاه به تال) اصطلاحی است که بعد از زبانت با رزائی در کردستان عراق و ازمه پاشیدن جنبش آن سامان بکار بریده میشود (معنی تمام شدن کار جنبش)

بقیه از صفحه ۹

پروفسورهای "مسلان" ...

به این هدف عیارست از بهره گیری از احساسات مذهبی مسلمانان به نفع آمریکا و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست در کشورهای مسلمان نشین جهان. کاری که قبلاً از طریق ما مورین بودائی در هندو مسیحی در کشورهای آفریقای و ... صورت میگرفت . برای اجرای مقدمات این طرح فعلاً ۳ میلیون دلار بودجه در نظر گرفته شده است و قرار است سه فرستنده رادیوئی برنامهای به زبان عربی (برای مسلمانان کشورهای عربی)، فارسی (برای ایران و افغانستان و تاجیکستان شوروی) و ترکی (برای ترکیه و آذربایجان ایران شوروی) پخش نماید. اما با امپریالیسم آمریکا با این برنامها خواهد توانست طوفان انقلابی در کشورهای مسلمان نشین را که خلق ایران پلایه دار آن بوده است مهار کند؟ حدافل پاسخ مردم ایران تا حدی روشن است ، اگر حاکمان مسلمان و خلیه ایلامی امپریالیسم در ایران ، نظیر آقای بازرگان و

بقیه در صفحه ۱۴

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲

زنگهای خطر ...

ومدنی از مدتها قبل خود را برای ریاست جمهوری آماده کرده و به تبلیغات وسیعی دست زده بودند. گرچه این امر میتواند بعنوان یک عامل فرعی موثر بوده باشد، لیکن توسل به این استدلال بعنوان عامل اصلی، فریبی بیش نیست. برای نشان دادن بطلان چنین استدلالی کافی است تا به نتایج آراء مرکز اقتدار و روحانیت شهر قم نظرا فکنیم.

بطور قاطع میتوان گفت که روحانیت و مذهب در این شهر بیشترین نفوذ و اعتبار را دارد و در واقع قم را میتوان پایتخت روحانیت نام نهاد. اما در همین شهر و در حالیکه "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" که ستون اصلی جامعه روحانیت است، از "حیبی" حمایت نموده بود، بنی صدر با قاطعیت چشمگیری در صدر آراء قرار میگردد و ۱۵۰ هزار رای را بخود اختصاص میدهد. در حالیکه "حیبی" نمیتواند بیش از ۱۴ هزار رای یعنی ۱/۱۰ آراء بنی صدر را بدست آورد!

آیا این دهن گمی مردم قم به کرسی نشینان جامعه مدرسین "نیست"؟! و اما نمونه دیگر در شهر بزد که آیت الله صدوقی از نفوذ بسیاری برخوردار است (و یا شاید بهتر است بگوئیم که برخوردار بود!) علیرغم "فتوای" او مبنی بر حمایت از "حیبی" مردم با دادن ۷۱۷ هزار رای بنی صدر، او را بمقام اول رساندند. حیبی در این شهر حتی نتوانست مقام دوم را احراز نماید و "مدنی" جای او را گرفت و او با تعداد ۸۰۸۸ رای یعنی ۱/۱۰ آراء بنی صدر، در مرتبه سوم قرار گرفت! آیا کسی هست بگوید که مردم بزد، "فتوای" آیت - الله صدوقی را به گوش نشنیده اند؟! چنین شکستی برای روحانیت و حزب جمهوری اسلامی که در انتخابات از حیبی حمایت نمودند، در طول حیات رژیم جدید، بر راستی بیسابقه است. آری نتایج انتخابات زنگها را برای اینان بمصداد آورده است.

بهبوده نیست که آنها سخت در تلاشت تا شکست خود را با پیروزی در مجلس شورای ملی جبران نمایند. کوشش آنها این است که بتوانند در پارلمان، کرسی های هر چه بیشتری برای عناصر وابسته بخود اختصاص دهند تا بتوانند پایه های قدرت خویش را در حاکمیت سیاسی مستحکم نمایند و ابزار "کنترل" رئیس جمهوری را - که با او تفاهم چندانی احساس نمیکنند - در دست خود حفظ نمایند. منطقی کردن انتخابات مجلس شورای ملی در شهرها، از همین تلاشها سرچشمه میگردد.

۳ - تیمار مدنی با ۲/۲۴۱ میلیون رای، پس از بنی صدر قرار گرفت. همانطور که در گذشته گفتیم حاکمان "مدنی" در انتخابات ریاست جمهوری و بطور کلی در صحنه سیاست ایران، راست ترین جناحهای بورژوازی میباشند که در تلاش استقرار یک رژیم کاملاً دست راستی و وابسته به آمریکا در ایران میباشند. در روش سیاسی نیز خواهان توسل به سرکوب و کشتار و شیوه های خشونت بار در اعمال حاکمیت میباشند، چرا که این روش را تنها راه تترقاری نظم ارتجاعی خود میدانند.

تیمار مدنی از مدتها پیش خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می کرد و تبلیغات انتخاباتی خویش را از زمان زمان آغاز نمود. برنامهم دراز مدت تیمار مدنی این بود که بساوار شدن بر امواج نارضایتی مردم بویژه از روحانیت خویش را به ساحل "پیروزی" برساند. او درگیری میان جناحهای مختلف قدرت سیاسی تعداد مراکز قدرت و هرج و مرج ناشی از آن را که بر راستی مردم را کلافه می کرد، زمینه ای برای تبلیغات سیاسی خود قرار داده بود.

تیمار مدنی در نواحی معینی آراء بیشتری بدست آورد. او در تهران، مرکز سرما به داران وابسته و بورژوازی لیبرال و بوروکراتها و کارمندان عالی رتبه دولتی و ارتشی نیم میلیون رای آورد (یعنی حدوداً بیشتر از ۱/۱۰ آراء بنی صدر). در حالیکه نسبت آراء مدنی به بنی صدر در کربلا ۷۴۰ ایران حدوداً ۱/۱۰ بود. همچنین او در تبریز با ۲۴۹۹۹۹ تعداد رای (یعنی حدوداً بیش از ۱/۱۰ آراء بنی صدر) موضع نسبتاً قوی پیدا کرد. چرا که تبریز مرکز نفوذ مرجع بورژوازی لیبرال آیت الله شریعتمداری و طرفداران اوست. مرجعی که دنبال امثال تیمار مدنی میگردد. همینطور در استان سیستان و بلوچستان نیز مدنی با ۹۴۲۹۷ رای (یعنی بیش از ۲ برابر بنی صدر) موقعیت ممتازی داشت. چرا که از هادن مرکز تجمع و سلطه خوانین و آخوندهای مرتجع سنی مذهب (مولوی ها) است و اینان بین خود و تیمار مدنی وجه اشتراک بیشتری می بینند تا دیگران.

اما نباید خوشحالیانه پنداشت که مدنی در راه جلب اقبال را بنی ثرموفیقی بدست نیاورده است. ۲۴۰۰ آراء ریخته شده در صدوق بنی صدر، و تنها به نیروهای ارتجاعی و راست گرای جامعه اختصاص ندارد. توده های بسیاری از اقشار متوسط کسبه خواهان یک "نظم" در جامعه هستند، بخش بزرگی از این رقم را بخود اختصاص میدهند. وضع اقتصادی و اجتماعی، نابسامانی سیاسی و تمایلات اقشار مرفه خرده بورژوازی به از زمین بردن بحران و گشاکش سیاسی و بلاخره تمایلات غیر مذهبی این اقشار، زمینه های عینی و ذهنی مساعدی را در میان این نیروها بوجود می آورد که بطرف تیمار مدنی کشیده شوند.

این زنگ خطری است برای مردم و نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها. در چهره تیمار را تنها می "مدنی" بوضوح میتوان نقش یک "پینوشه" و "بسا رضا خان" تانی را مشاهده نمود. مدنی به مناسبه نماینده راستترین جناحهای سیاسی درون هیئت حاکمه و با جاز آزان، در کمین نشسته است. او با پایان انتخابات ریاست جمهوری، کار خویش را پایان یافته تلقی نمی کند، بلکه همچنان در تدارک برنامهم در از مدت خویش است.

او از یکسوا اعلام میکند که در ارگانهای اجرائی رژیم جدید شرکت نمی جوید و از سوی دیگر سخت در تلاش برای انداختن یک شکلات و حزب سیاسی است. این دو عمل، اجزای متفاوت برنامه های دراز مدت او هستند.

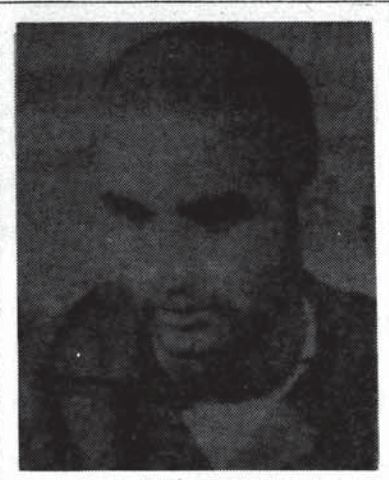
■ - رقم دقیق ۱ به ۴/۸ است.

مدنی از یکسوا تیزبینی خاصی، افول سیاسی سریع قدرتمندان کنونی را پیش بینی کرده است و از همین روی میگوید تا حتی الامکان در طی این دوره خویش را از دایره قدرت اجرائی بدور نگه دارد و و یا حتی به مخالف خوانی با هیئت حاکمه بپردازد و از سوی دیگر میکوشد با راه انداختن یک حزب، حضور خویش را در صحنه سیاست فعال نگاه دارد و یا شاید با گرفتن یک موضع حزبی "مخالف نسبت به حاکمان کنونی، به جذب توده های ناراضی بویژه اقشار متوسط بسمت خویش بپردازد.

چنین خطری را نباید دست کم گرفت و رونقده اوضاع سیاسی جامعه در صورتی که نیروهای انقلابی و مترقی نتوانند صفوف پراکنده خویش را متشکل نموده و از اوضاع کنونی بنفع انقلاب و استقرار یک نظم انقلابی، بهره گیرند، بنفع قزاقا - نی چون "مدنی" سرخواهد کرد. جامعه نمیتواند مدت زیادی در هرج و مرج و نابسامانی بسربرد و مورد نیز نمی تواند چنین وضعیتی را زمان درازی تحمل کند. آنها طالب یک "نظم" هستند، یک نظم انقلابی بسودر حکمتکشان جامعه. لیکن در چنین نبروهای انقلابی و مترقی، میتوان دانستن فرصت را بوجود آورد که دوره هرج و مرج کنونی بنفع استقرار یک نظم ارتجاعی، بوسله "مدنی" ها خاشمه پذیرد. این خطر کوچکی نیست. توده ها را باید این خطر آشنا ساخت. نتایج انتخابات زنگهای خطر را تنها برای روحانیت و کل هیئت حاکمه بمصداد در نیاورد، تا سرعت سقوط خویش را در سراشیب افراد انزوا زده ها دریا بند، بلکه آن را برای توده مردم و نیروهای انقلابی جامعه نیز بمصداد در نیاورد تا بخود آیند و اجازه ندهند که تا قزاقانی همچون مدنی به نمایندگی از راستترین جریانهای بورژوازی، نابیره گیری از نارضایتی مردم، در یک فرصت طلایی، توطئه های خویش را بشمر بسا ندر و رونق اوضاع را بنفع خویش خاشمه دهد.

در حالیکه جنبه ملی و نهضت آزادی افشا شده و عملاً بیک جریان مرده تبدیل شده اند، در حالیکه بسیاری از احزاب کوچک و بزرگ بورژوازی (حزب جمهوریخواه و...) در طی این مدت نتوانستند عملاً بیک جریان سیاسی حاضر در صحنه تبدیل شوند، و در حالیکه حزب خلق مسلمان متلاشی شده است، این "مدنی" است که با اتکا به مواضع گذشته خود در هیئت حاکمه و برنامهم های تدارکاتی اش طی این مدت به اعتبار همراهی با هیئت حاکمه و "خط امام" ... میتواند بدیهترین امیدنیروهای ارتجاعی، بورژوازی لیبرالها و امیرالیم، برای بازگشت به قدرت مداخلی شان با خصوصیات پیشین تبدیل شود، تضادهای درون هیئت حاکمه، بحران شدید اقتصادی، رکود، بیکاری، تورم، گرانی فزاینده، هرج و مرج در جامعه ... میتواند زمینه عینی جذب و جلب بخش وسیعی از توده های خرده بورژوازی را در طی رونق ناامیدی و زدگی از حرکات و سیاست های هیئت حاکمه و بویژه روحانیت، بسمت این بلوک ارتجاعی، فراهم سازد و چشم انداز دست یابی بیک نظم ضد خلقی را برای بورژوا - فاشیست ها شی چون مدنی ترسیم نماید. آری زنگهای خطر را باید بمصداد آورد! ■

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم



محسن بطحایی

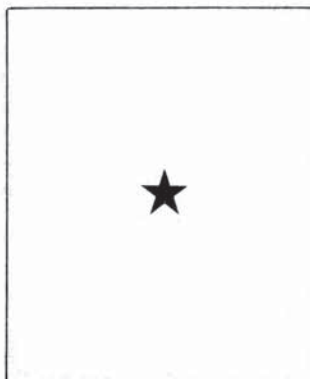
با مشارکت زنان انقلابی از خود نشان می داد. با داین رفیق شهیدگرمای با د. رفیق شهید محسن بطحایی با علنی بودن خود امکانات قابل توجهی را در اختیار زمان قرار می داد و جنبش را در راه پیشبرد اهداف انقلابیست باری می رساند. او در شاخه نظامی سازمان فعالیت میکرد و یکبار در همان روزهای بیگرد شدیدی زیرکسی و هشاری تمام توانست ما مورین ساواک را بغریبید و فرار کند ولی مجدداً شنا سائی دستگیر شد و سرانجام پس از تحمل شکنجه های سخت محکوم به اعدام گردید و در سوم بهمن ماه بشهادت رسید.

رفیق محمد طاهر رحیمی نیز که همراه با ایمن رفقا بشهادت رسید بر سر قرار با یک سمیات دستگیر شد. رفیق در شاخه نظامی فعالیت داشت و در راه حمایت از خلق و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و عمال داخلیش جان داد.

درود بر همه شهیدان زاهد آزادی و استقلال درود بر شهیدانی که در راه منافع زحمتکشان حسان باختند.

بقیه از صفحه ۱۲
پروفسورهای "مسلان" ...
بزدی، جمران و بهشتی و شریعتمداری ... توانسته اند مانع از حرکت و رشد انقلاب در ایران گردند و آنرا شکست دهند، امپریالیسم آمریکا از طریق "پروفسورها مدالگار" و "ما نوالهم نیز موفق خواهد شد. اما در مورد سایر خلقهای جهان باید گفت مردم ستم دیده جهان در کشورهای عربی و مسلمان نشین تجربه بسیاری در این زمینه دارند؛ بالهاست که حکومت اسلامی فیمل در عربستان سعودی توده ها را به بند کشیده است، جنایات امپریالیسم آمریکا در اندونزی بنام اسلام و بدست "سوارتوی" حلال (دیکتاتور فعلی اندونزی) و کشتار و قتل عام فجیع و جنایتکارانه بیش از ۵۰۰ هزار نفر از کمونیستها و سایرین اندونزی بجرم خدا مهربا لیست بودن ... همه و همه پیش روی خلقهای جهان است، جمهوری اسلامی ضیاالحق این سرسپرده امپریالیسم آمریکا در پاکستان در جلوشم جهان نیان است و ... امپریالیسم آمریکا با این سادگی قادر به مبارزه با زحمتکشان انقلاب در کشورهای تحت سلطه و مسلمان نشین نیست.

گرامی باد خاطره رفقای شهید



محمد طاهر رحیمی

جوخه اعدام سپرده شدند. رفیق منیژه اشرف زاده گرمائی فارغ التحصیل مدرسه عالی بازرگانی و کارمند سازمان برنا مه بود و در دوران دانشجویی با گروههای مرفقی آشنا شد. آگاهی بیشتر او به ما هیت ضد خلقی رژیم شاه از یک طرف و رنج عظیم زحمتکشان از سوی دیگر او را بسوی پیوستن به مبارزه انقلابی کشاند. او به بحث منشیب از سازمان مجاهدین خلق پیوست و با آنکه متاهل و بچه دار بود، در آن شرایط بسیار دشوار از استعداد و نیروی انقلابی خود برای رها شدن زحمتکشان مایه گذاشت. رفیق منیژه در شاخه نظامی سازمان فعالیت داشت و به "جرم" وفاداری به آرمانهای خلق در سیدادگاه رژیم به اعدام محکوم شد. او اولین زنی است که در تاریخ جنایات رژیم شاه به جوخه اعدام سپرده شد. چنین حکمی از سوی دشمن، خود نشانه نگر خشمی بی پایان و در عین حال مایوسانه بود که رژیم در مقابل ادامه فعالیتهای انقلابی آنهم



در شماره قبل با دانا مهر رفیق شهید مدینه رفقا شی را آوردیم، چون در آن هنگام عکس رفیق در دسترس نبود در این شماره اقدام به چاپ آن نمودیم.



منیژه اشرفزاده گرمائی

در سال ۵۴. زمانیکه اقدامات سرکوبگرانه فاسیسی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائسین برای رسیدن کردن مبارزات خلق در نهایت اوج خود بود و ساواک، کمیته مشترک ضد مصلح خرابکاری سازمان جدید سال جنایات و خستناک عدم کارآیی خود را در نا بود کردن نیروهای انقلابی به انبساط رسانده بودند. زمانیکه سرما به های امپریالیستی و عمال و ترکاری داخلی آنها برای ایجاد و حفظ "امنیت" به انواع سوره های پلیسی سرکوب متوسل می شدند. زمانیکه دیکر دستگیری و زندان و شکنجه و اعدام به قصد "حرف کشیدن" و با مصلح تنبیه بلکه عمدتاً شکل انتفا محوئی ددمنشا به خود گرفته بود.

در سال ۵۴ زمانیکه امپریالیسم آمریکا از سندان خشم دندان برهم می فرود و خواستار سانسائی ورشه کن کردن نیروهای انقلابی بود که با اعدام انقلابی مستشاران نظامی آمریکا به آنهمه قدرت جهنمی سیاسی و نظامی و پلیسی دهن کچی میکردند و خشم فوران یافته زحمتکشان ما علیه سلطه امپریالیسم آمریکا را در عملیات و مسانبات و فعالیتهای انقلابی خود منعکس می کردند.

آری، در این زمان که عاصمت جوان دیروز و انقلابی نماهای امروز را برای سربرون آوردن از گرمیان ننود و هر کدام بنحوی به توحه مکتوت رها پیت آمیز خائنه خود مشغول بودند، نیروهای انقلابی میهن ما جان سرکف همراه با عنق آتشین به خلق و کینه و به دشمن خلق در راه صر زدن به دشمن اصلی خلقهای ایران - آمریکا - واقفای جنایات بینما را و عمال اش بطور خستکی نا پذیر مسازره می کردند.

رفقای شهید، منیژه اشرف زاده گرمائی، محسن بطحایی، و محمد طاهر رحیمی از بخش منشیب از سازمان مجاهدین خلق ایران از جمله ایمن انقلابیون بودند. پس از اعدام انقلابی دو مستشار جاسوس آمریکا شی سرنگ ترنر و سرهنگ شیفرزدر تانستان ۵۴ توره های تعقیب و مراقبت بیش از پیش گسترده شد و این رفقا همراه با عده ای دیگر به اعدام افتادند. آنها سخت و خشیا نه ترین شکنجه های جسمی و روانی فرا گرفتند و پس از تحمل چندین ماه شکنجه طاقت نماندند و سرانجام در صبحگاه سوم بهمن ماه ۱۳۵۴ به

هنرمقاومت هنرپرولتری



درباره این صفحه :

هنرمقاومت، هنرپرولتری: يك نیاز مبرم

جبهه انقلاب، هیچگاه بدون سنگر شکستناپذیر هنرمقاومت نبوده است. این، زندگی است که عظیم و انبوه از خلال بیکارهای بیابانناپذیر پیش میرود و در تلاطم خویش نیروی بزرگ خود را می نمایاند. انقلاب اجتماعی چنان عالی ترین شکل دگرگونی زندگی، انعکاسی از این تغییر مداوم، انعکاسی از قیام خون تخطی نا پذیر طبیعت و جامعه، انعکاسی از شکست کهنه و پیروزی نواست.

ما اینک در کنا کش شگرف یکی از بزرگترین انقلابات اجتماعی، در کبرودا رنبردی به وسعت تمام ایما دزدنکی هستیم. پرولتاریا قهرمان ما خواهان به پایان رساندن بیکارها و مهربانیست - ضد ارتجاعی است، خواهان تغییرات به آخواست، خواهان بالندگی سرفرازانه زندگی است، خواهان به رفاه آوردن دموکراسی برای توده ها و شکستن کشتزار سترون برای کشت دانه های بارور سوسیالیسم است و بالاخره خواهان نابودی جامعه طبقاتی است که چون غازی در چشم از می خلد.

از این رو، او نیاید زنده بکارگیری همه ابزارهای است که زندگی می آفریند تا زندگی را دگرگون سازد. او سیرابناپذیر، بسوی چشمه های چونا آگانه طبیقاتی رومی سپارد و هنر و ادبیات، به مثابه یکی از اشکال آگانه، انجیزی است که طبقه کارگر نمی تواند از آن چشمپوشی کند. طبقه کارگر به هنر خود با زده، رد، او هنری را می طلبد که همراه تلخکوب های انقلاب مغفیر رگباروازه ها، اصوات و نقشها بش به گوش برسد، او هنری را می طلبد که آئینه رنجه، آرمانها، عواطف و همه آن آرزوها و رویاها باشد که نه در جهت تحریف واقعیت بلکه در جهت پیشبرد امر انقلاب، در جهت انعکاس هر چه عمیقتر حقایق گسام بردارد. آری، انقلاب به هنرمقاومت نیازمند است، چرا که هنرمهممنوان جزئی از ایدئولوژی پرولتاریا در خود درونی ترین تمايلات طبقاتی را برای تفسیر مناسبات اجتماعی منعکس می سازد. هر چند ارتباط هنر و ایدئولوژی به مثابه ارتباط خاص و عام دارای ویژگیها و بیجیدگی های مشخصی است.

سنگر هنر و ادبیات به انقلاب خدمت میکند؟

این سنگر با شعله ورنگاره ها شدن شورا انقلاب، با انعکاس روحیات طبقات انقلابی، با بیان سازشناپذیر و زوایای درونی و پنهان ستمی که بر توده ها می رود، با آفرینش خلافت آن واقعیتی که محکوم به تغییر است و با غلبه آرمانگرایی به سر ماضع توان فرمای راه انقلاب، تا شیری انکارناپذیر در استحکام و پیشرفت فعالیت انقلابی ایفا می نماید.

آنکه در راه کمونیسم میجنگد

آن که در راه کمونیسم می جنگد
بیتواند باید
که بجنگد و بجنگد
که حقیقت را
به زبان آورد
و بنارد
که بهمراهی خیزد
و نخیزد
و خویش را با خطر اندازد
و ز خطر بگریزد
بشنا سندی گاه
گاه ما شنا سندی
آن که در راه کمونیسم می جنگد
از فضیلت های جهان یک فضیلت دار است
این که در راه کمونیسم می جنگد
بر توت برشت
نقل از " اقدامات انجام شده "

● بنظر ما یکی از وظایف نیروهای م. ل آنست که تلاش بیکر خود را در راه رشد هنر انقلابی بکار گیرند و بویژه با تبلیغ و ترویج دستاورد های مارکسیسم - لنینیسم در رشته هنر و ادبیات، وظایف خود را در رصیقل دادن این ابزار و به کارگیری آن در مبارزه طبقاتی و تسریع رشد هنر پرولتری به انجام رسانند.

با اینهمه، و با وجود تها ز میروهای که به رشد هنر نوین در طبقات زحمتکش احساس می شود، هنر پرولتری که اینک با بدربیشا پیش صف خلق فرا رگید و سرود رزمجویانه خود را بردها زنفود و رندبسیا رضعیفی برخوردار است. سرکوب و حشانه ادبیات انقلابی، ایجاد جواختناق و محدودیتی که هنرمندان خلق را همچون ما همان جدا از آب، از زندگی توده ها دور نگاه داشته است و عدم وجود یک نیروی رهبری کننده که زمینه مساعد را برای رشد ادبیات توده فرا هم آورد... همه و همه از جمله عواملی بوده است که آنرا در دستگنای مرکبای قرار داده است. راه گریز از وضعیت بحرانی هنر و ادبیات ما که خود میجنگی گسترده است و نیاید از زبانی ژرف دارد بسنه به عوامل گوناگونی است که در این میان به نقیشت عنصر آگاهی نباید که بپا داد.

بنظر ما یکی از وظایف نیروهای م. ل آنست که تلاش بیکر خود را در راه رشد هنر انقلابی بکار گیرند و بویژه با تبلیغ و ترویج دستاورد های مارکسیسم - لنینیسم در رشته هنر و ادبیات، وظایف خود را در رصیقل دادن این ابزار و بکارگیری آن در مبارزه طبقاتی و تسریع رشد هنر پرولتری به انجام رسانند. ما با گشودن صفحه " هنرمقاومت، هنرپرولتری " میکوشیم سهم خود را در گسترش ایده های پرولتاریا در شهر هنر انقلابی و در معرفی هنر خلقی و آزاد بخش، ادا کنیم، همچنانکه در راه با لایش این هنر از تحریفات و آلودگیهای رویزیونیستی خوا هم کوشید. ما با گشودن این صفحه در مدها نیمه گامهای اولیه برای وجود آوردن امکانات مساعد جهت معرفی و رشد خلافتیهای هنری کارگران و نیروهای مترقی هم - پیمان آنان برداریم.

این درست است که روشنفکران به سبب موقعیت ویژه خود، به سبب تخصص خود در فعالیت ذهنی از توانائی و قابلیت های مشخص فراوانی در زمینه کار هنری برخوردارند، این درست است که سراسر جامعه طبقاتی این مهرا برایشانی خود خواست داشت که تفادسین کاربیدی و کار فکری در آن برقرار باشد، این درست است که بسیاری از هنرمندان طبقه کارگر و چه بسا قدرتمندترین آنان از زمان طبقات غیر پرولتاریا برخاسته اند، اما همه اینها نمی تواند دلیلی قانع کننده برای دورنگاره داشتن عناصر مستعد طبقه کارگر را فعالیت هنری باشد. طبقه کارگر نباید بر این واقعیت سرفرود آورد. طبقه کارگر باید خود را آماده کند تا از هم اکتسون در همه زمینه های زندگی اجتماعی فعالانه به مبارزه برخیزد. طبقه کارگر نباید پذیرد که فقط روشنفکران حرفه ای و فقط آنان صلاحیت فعالیت در رشته هنر را دارا هستند! ما موظفیم استعداد کارگرنی را که در خود رغبت و میلی طبیعی بکار در این رشته میبندند، رشد دهیم. ما موظفیم به کارگران برای کسب سستی در این رشته یاری رسانیم و از همین روانام رفقای کارگرمی خواهیم به هر طریق که می شنا سندی آنها را خود را برای ما بفرستند.

این صفحه می تواند تنها سهمی کوچک از زنفود و گسترش ایده های لنینی آزاد بیات و هنر انقلابی را بدوش کشد و پیروزی همه جانبه در این راه نیاید به کار تمام نیروهای م. ل، همه متخصصین و افسراد مارکسیست لنینیستی که به طور حرفه ای بکار رهبر و ادبیات می پردازند و همه آنانانی که می توانند در این راه به مبارزه برخیزند، دارند. ارتش انقلابی هنر، در جبهه انقلاب، تنها در صورتیک تنها جم گسترده و متشکل و موجود آوردن یک جبهه مقاومت، موجود آوردن یک جریان متحد و آگاهانه، مبتنا بر تحریکی موثر در سرنوشت هنر و ادبیات انقلابی ایفا نماید.



بیاد ارانی

بمناسبت ۱۴ بهمن ماه چهلمین سالگرد شهادت او

۱۴ بهمن مصادف است با چهلمین سالگرد شهادت رفیق دکتر ارانی. کده زرنندان اسیدا در فاختانی پس از سالها تحمل رنج و شکنجه در حاکم لیکه نمازی حاکمانی اورا آزاد میدادند و رسیدن جوش سیرنی بزرگ اسسا در فاخته های منج کل در در کلونیس فریاد عمر دگری را

تا منوبوده ست همچنان سرخرده ها و راه جای نوبوده ست همچنان در منظر نگاه! ارا عنبار نیویود که خورسیدهای کوچک خورسیدهای بانداز همواره سلطنت نبارا انکار کرده اند

وصح را بی هول ساهه دیوارهای سیمانی بی هول میادیس سیر به فریادهای خود تکرار کرده اند

ارسم پوست که مانده ست با دکار: برپای واسوارش تا سینه در اخانه آوری

ساند رد

ارسمار حیدر بود ارهنگ برنبار "تسار" که اسکو به سرت نسام کرد تا جون آفتاب هموار کند جاده های فریاد را

ای سال سرج! بیخنده بی بنوبوست

آما در درمات آهین و لای! سرالیپای ما سرالیپای و آرزو س ما

امروز، آگرچه



موشهای خانگی کز کرده در پناه "دنیا"ی تو بر مشت های برآمده از آستین کار چنگ می زنند اما هنوز، این خلق مهربان، نام تو را آواز می دهد بلند

سرالهای ما سرالهای و از گونه ما نشانه یک انقلاب گذر کرده است

تا ندکه صبح را، فردا سخا آوری

اول بهمن ۵۸

حمله به مجاهدین خلق محکوم است

در ادا ممبرنا مه های حساب شده با ندهای مرتجع و سیا هدل، که هدف اساسی خود را حمله به نیروهای کمونیست و مجاهدین خلق قرار داده اند، با ندهای که از جانب سردمداران احزاب ارتجاعی شناخته شده تغذیه میگردند، با دیگر به مرکزها مذا دپزشکی مجاهد بین خلق حمله شد. علاوه بر این، این با ندهای ارتجاعی در جریان انتخابات هنگامیکه شمسار شافهانی، مدنی میلیونها تومان پول و تمامی امکانات رادیو تلویزیون را برای تبلیغ خود بکار گرفته بود، زمانی که لیبرالهای فراری و بزدل، نظیر حبیبی و بنی مدرکه در زمان شاه شش با استفاده از بورس اهداشی آقای احسان تراقی (دوست نزدیکش!) در آب و هوای خوش فرانسسه مشغول گرفتن دکترای خود بودند، برای خودشان تاریخ و شمسید و "هجرت!" می ساختند و آنرا از و تلویزیون به خورد مردم تا آگاه میدادند، به کارگران انقلابی، مجاهد شهید عباس عسانی، راهبه شهادت رسانند. تنها به این جرم که چرا برای یک سازمان مترقی اعلامیه و تراکت پخش کرده و تبلیغ می کند!

زاین و اروپا نزدیک شوند، ایشان با راهبه گسترش روابط با امپریالیسم زاین اثار کرده اند در حالی که همه می دانیم شرکت های امپریالیستی زاین و اروپا کلا ملا تحت نفوذ انحصارات آمریکا است، بنا بر این شعار نه شوروی، نه آمریکا آقای بنی مدر در عمل چه از آب درمی آید؟ وابستگی به امپریالیسم اروپا و آمریکا و زاین! ملاحظه میشود که چگونه سخنان مجاهدین حقایق را لایوشانی می کند و نوشته های را که دور آنها کرده اند نندست بیک بورژوا - فرعیست دچار توهم می نماید. (کاریکه زمانی در مورد بازگان کردند) آنها ذره ای به گذشته بنی مدر و به همین عمل کرده های و سیا تنها بشن اثار نمی کنند، اما در عوض اظهار میدواری میگردد که بنی مدر در خط فدا شمعاری کاری بکنند، مگر به خود مجاهدین راه سرما به داری به وابستگی ختم نمی شود؟ مگر خود این آقای بنی مدر با تمامی حرافیها و بیچیدن راه حل های سرما به داری در کاغذ کا دو، به راه حل سرما به داری معتقد نیست؟ پس چرا سخنان مجاهدین ذره ای در این باره حرف نمیزند؟ پس چرا به آقای بنی مدر که تنها یکی دور و پس از انتخاب شدن بسمت ریاست جمهوری، طرح وحدت دو کشور ایران و ترکیه را پیش میگذارد، حتی "انتقاد" نمی کنند؟ و سخن آخر اینکه، آیا کسی که در تمامی یکساله گذشته به همراه لیبرالها و حاکمان امپریالیسم، عمل کرده است - منهای برخی مخالفت های جزئی و عمدتاً مخالف خواهانها - میتواند از نظر سخنان مجاهدین، در راه مبارزه فدا شهادت، فدا شمعاری، فدا شمعاری به خلق خدمت نماید؟

مجاهدین خلق چه انتظاری از آقای بنی صدر دارند؟

آقای بنی صدر در این مورد دارد؟! از دو حال خارج نیست یا سخنان مجاهدین نسبت به آقای بنی صدر دچار توهم است و یا معنی حق تعیین سرنوشت را درک نکرده است. مسئله دوم در تجربه ثابت شده است و همه سوده های آگاه ها هدیوند که مجاهدین چگونه در جریان تهاجم ارجاع به پیشفرایلی چمران مزدور سکوت کردند و بعدها حتی برای توجیه بیشتر آن، آنرا تئوریزه نیز کردند. در حالی که چمران در واقع همان راه حل امپریالیستی را به اجرا درآورد که خود از آن یاد کردند و آن جنگ افروزی و سپس فروش سلاح به ایران و تندید و وابستگی از این طریق است. اما توهم سخنان مجاهدین نسبت به بنی مدر نیز حقیقت دارد تا توضیح بیشتر مسئله را روشن می کنیم:

یکی دیگر از تهاجم ارتجاعی آقای بنی صدر این است که هم آمریکا و هم شوروی بیک اندازه دشمن ما هستند! نا بد حرافی های آقای بنی مدر در این مورد برای توده های نا آگاه گول زنده شده اند و آنها تصور کنند که آقای بنی مدر ملی است و به وابستگی فکر نمی کند. اما واقعیت را اعمال خود آقای بنی مدر بیشتر نشان میدهد، منظور ایشان از شعار "نه آمریکا، نه شوروی" این است که به امپریالیسم

در جریان مسک روز چهارشنبه ۱۱/۱۰/۵۸ مجاهدین خلق که نسبت به سالگرد شهادت مجاهد شهید احمد زمانی و مجاهد شهید عباس عسانی برگزار شد، مسووحوی صف سخنانی خود، موضع مجاهدین را سردر مغایر سی صد اعلام کرد. او اظهار میدواری کرد که بنی مدر سوا بد در خط فدا شمعاری و سید اسناد های و فدا شمعاری کاری انجام دهد. شکستی نیست که بنی مدر و سمار مدنی سفا و است، اولی یک بورژوا فرعیست است و دومی یک بورژوا فاشیست، اما زمانی که مجاهدین بدرستی شمسار مدنی را افتا می کنند اما از بنی مدر چنین انتظار - اتی دارند نشان میدهند که نمیتوانند ما هیست بورژواری را بدرستی درک کنند. لازم نیست راه دور برویم کافی است فقط به یکی دو مورد از نقطه نظر های بنی مدر اشاره کنیم:

بنی مدر به سوجه برای ملیتها حق بعنوان حق تعیین سرنوشت و "خود مختاری" قائل نیست و شهادت نسبت به این مسئله کینه و رزاست. اما راجعه کنید به مقاله بیکار شماره ۴۰ در همین مورد و با توجه به اینکه یکی از پیرنای های اعلام شده مجاهدین شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملیتها ایرانی است، بنا بر این سخنان مجاهدین چه انتظاری از

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست